



Designing and Empirical Testing of a Model for “Determining Instances of Disclosure” in Management Commentary in Iran

Mohammad Namazi * 

*Corresponding Author, Distinguished Prof., Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: mnamazi@rose.shirazu.ac.ir

Sasan Khademi 

Ph.D. Candidate, Department of Accounting, Faculty of Economics, Management and Social Sciences, Shiraz University, Shiraz, Iran. E-mail: s.khademi@shirazu.ac.ir

Abstract

Objective: The purpose of this research is to design and empirically test a model for determining instances of disclosure in the management commentary (MC) in Iran. To the best of its author’s knowledge, this study can be characterized as a practical one for the first time in the world.

Methods: This piece of research adopted a mixed research method (a combination of qualitative and quantitative data). First, the research model’s disclosure instances were identified qualitatively. Then, they were tested quantitatively. In the qualitative part, appropriate disclosure instances regarding the six content elements of MC were identified using qualitative content analysis via conducting a review of the extant reporting guidelines and frameworks, MC of companies, and the latest findings of the International Financial Reporting Standards (IFRS) Foundation. In the quantitative part, to localize disclosure instances based on the information needs of the financial reports’ main users, the relevant data were collected through a survey method using a questionnaire from the view of investors and creditors. The investors were individual investors and investment experts working in investment companies, investment funds, portfolio management companies, and brokerages, in 2021. The creditors included lenders to the companies. In this research, the opinions of credit experts of Iranian banks familiar with the MC and also involved in the financing of companies were obtained. In the following, descriptive statistics, demographic variables, and the Kolomogorov-Smirnov test were used. The one-sample Wilcoxon signed rank test and Friedman's test were next used to determine the final disclosure instances and to rank them, respectively. Also, the confirmatory factor analysis technique, based on SEM-PLS, was used to verify the disclosure instances and to evaluate the research model. Consequently, the final research model was presented.

Results: Based on the findings of the qualitative part of the research, 88 disclosure instances were identified. Then, following the quantitative part of the research's tests, the number of disclosure instances of the proposed model of MC in Iran was reduced to 74 disclosure instances. These disclosure instances were classified into six content elements: 1. "business model" with six disclosure instances, 2. "strategy and objectives" with 14 disclosure instances, 3. "resources and relationships" with 15 disclosure instances, 4. "risks and risk management" with 14 disclosure instances, 5. "external environment" with six disclosure instances, and 6. "position and performance" with 19 disclosure instances. Moreover, the disclosure instances of each of these six content elements were ranked based on their relative importance using the Friedman test.

Conclusion: Considering the disclosure instances' comprehensiveness provided by the proposed model, as well as its locality and appropriateness to Iran's environmental conditions, the proposed model by this study can act as an effective guide for regulators including the Iranian Audit Organization and the Iranian Securities & Exchange Organization. These organizations can use the aforementioned model in establishing regulations and guidelines relevant to the MC's preparation. Furthermore, these disclosure instances help companies in presenting and disclosing more useful information in the form of voluntary disclosure and also help them in preparing an efficient and effective MC.

Keywords: Corporate disclosure, Disclosure instances, Information asymmetry, Management Commentary.

Citation: Namazi, Mohammad & Khademi, Sasan (2023). Designing and Empirical Testing of a Model for "Determining Instances of Disclosure" in Management Commentary in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 30(1), 149- 190. (*in Persian*)

Accounting and Auditing Review, 2023, Vol. 30, No.1, pp. 149- 190
Published by University of Tehran, Faculty of Management
<https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2023.350559.1008745>
Article Type: Research Paper
© Authors

Received: November 02, 2022
Received in revised form: March 04, 2023
Accepted: April 25, 2023
Published online: June 21, 2023





طراحی و آزمون تجربی الگوی «تعیین مصادیق افشا» در گزارش تفسیری مدیریت ایران

محمد نمازی*

* نویسنده مسئول، استاد ممتاز، بخش حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: mnamazi@rose.shirazu.ac.ir

ساسان خادمی

دانشجوی دکتری، بخش حسابداری، دانشکده اقتصاد مدیریت و علوم اجتماعی، دانشگاه شیراز، شیراز، ایران. رایانامه: s.khademi@shirazu.ac.ir

چکیده

هدف: هدف این پژوهش، طراحی و آزمون تجربی الگوی تعیین مصادیق افشا در گزارش تفسیری مدیریت ایران بر مبنای نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی است که به‌عنوان یک نیاز کاربردی برای اولین بار در دنیا انجام می‌شود.

روش: این پژوهش از روش تحقیق ترکیبی (آمیخته) استفاده می‌کند. از این رو ابتدا به‌شیوه تحلیل محتوای کیفی، مصادیق افشای مناسب در قالب شش عنصر محتوایی شناسایی شدند. سپس به‌منظور بومی نمودن مصادیق افشا متناسب با نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی، به‌شیوه پیمایشی و از منظر سرمایه‌گذاران و بستانکاران، داده‌های موردنیاز در سال ۱۴۰۰ جمع‌آوری شد. در نهایت مصادیق نهایی افشا با استفاده از آزمون تک‌نمونه‌ای ویلکاکسون تعیین و بر مبنای آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند. همچنین، از فن تحلیل عامل تأییدی بر مبنای مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی، به‌منظور تأیید مصادیق افشا و ارزیابی الگوی پژوهش استفاده و الگوی نهایی پژوهش ارائه شد.

یافته‌ها: ابتدا بر مبنای شیوه کیفی، تعداد ۸۸ مصداق افشا شناسایی شد. سپس بر مبنای شیوه کمی، یعنی نظر پاسخ‌دهندگان، الگوی گزارش تفسیری مدیریت ایران با ۷۴ مصداق افشا و در قالب شش عنصر محتوایی ارائه شد که عبارت‌اند از: ۱. الگوی کسب‌وکار با شش مصداق افشا، ۲. استراتژی و اهداف با چهارده مصداق افشا، ۳. منابع و روابط با پانزده مصداق افشا، ۴. ریسک‌ها و مدیریت ریسک با چهارده مصداق افشا، ۵. محیط برون سازمانی با شش مصداق افشا و ۶. وضعیت و عملکرد با نوزده مصداق افشا. همچنین مصادیق افشا بر مبنای اهمیت نسبی‌شان با استفاده از آزمون فریدمن رتبه‌بندی شدند.

نتیجه‌گیری: الگوی پیشنهادی این پژوهش، راهنمای مؤثری برای نهادها و سازمان‌های ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه در تدوین ضوابط و رهنمودهای مربوط به تهیه گزارش تفسیری مدیریت است. همچنین به شرکت‌ها در ارائه و افشای اختیاری اطلاعات مورد نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی، کمک می‌کند.

کلیدواژه‌ها: افشای شرکتی، عدم تقارن اطلاعاتی، گزارش تفسیری مدیریت، مصادیق افشا.

استناد: نمازی، محمد و خادمی، ساسان (۱۴۰۲). طراحی و آزمون تجربی الگوی «تعیین مصادیق افشا» در گزارش تفسیری مدیریت ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۳۰(۱)، ۱۴۹-۱۹۰.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۸/۱۱

تاریخ ویرایش: ۱۴۰۱/۱۲/۱۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۲/۰۵

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۰۳/۳۱

doi: <https://doi.org/10.22059/ACCTGREV.2023.350559.1008745>

بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۱۴۰۲، دوره ۳۰، شماره ۱، صص. ۱۴۹-۱۹۰

ناشر: دانشکده مدیریت دانشگاه تهران

نوع مقاله: علمی پژوهشی

© نویسندگان

مقدمه

در طول سال‌ها، مراکز دانشگاهی، وضع‌کنندگان استاندارد حسابداری، بدنه حرفه‌ای و دیگر سازمان‌های بین‌المللی (انجمن حسابداران رسمی آمریکا^۱، ۱۹۹۴؛ جامعه حسابداران خبره^۲، ۱۹۹۹؛ سازمان همکاری و توسعه اقتصادی^۳، ۲۰۱۱؛ انجمن حسابداران رسمی کانادا^۴، ۲۰۰۱؛ انجمن حسابداران خبره انگلستان و ولز^۵، ۲۰۰۰؛ هیئت استانداردهای حسابداری مالی^۶، ۲۰۰۱؛ هیئت استانداردهای حسابداری بین‌المللی^۷، ۲۰۱۰؛ انجمن حسابداران رسمی نیوزلند^۸، ۲۰۱۱؛ هیئت استانداردهای حسابداری مالی، ۲۰۱۲) تلاش‌های چشمگیری را به منظور ایجاد درجه‌ای از سازگاری بین افشای اجباری و داوطلبانه اطلاعات (از جمله افشای مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها) انجام داده‌اند. این تلاش‌ها، به‌ویژه برای انتظام‌بخشی افشای اطلاعات داوطلبانه گزارش بحث و تحلیل مدیریت در جهت سودمندی آن برای طبقات مختلف ذی‌نفعان بوده است (توتینو، رگولیوسو و دری^۹، ۲۰۱۳).

گزارش‌های مالی ابزار مناسبی برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی است و عملکرد بازار سرمایه را بهبود می‌بخشد (تیموری، هاشمی و امیری، ۱۴۰۰؛ ۴۴۸). هدف اصلی افشا از طریق گزارش‌های مالی، اطلاع‌رسانی به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در مورد میزان، زمان بندی و عدم قطعیت سودها و جریان‌های نقد آتی است تا به تحلیلگران و سرمایه‌گذاران در پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقد آتی کمک کند (ورکچیا^{۱۰}، ۱۹۸۳). مطالعات اخیر نشان داده‌اند که افشا دارای مزایای متعددی چون هزینه سرمایه کمتر (بوتوسان^{۱۱}، ۱۹۹۷؛ هایل^{۱۲}، ۲۰۰۲)، هزینه بدهی کمتر (سنگوپتا^{۱۳}، ۱۹۹۸)، افزایش نقدشوندگی در بازار (ولکر^{۱۴}، ۱۹۹۵)، افزایش تعداد تحلیلگران در بازار (هلی، هوتون و پالپو^{۱۵}، ۱۹۹۹؛ لنگ و لوند هولم^{۱۶}، ۲۰۰۰) و افزایش اعتبار تجاری (افلاطونی و نعمتی، ۱۳۹۷) است. در حقیقت به‌کارگیری استراتژی افشا، چه به‌صورت اجباری و چه اختیاری، با کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران شرکت‌ها و سرمایه‌گذاران، بستنکاران و دیگر ذی‌نفعان موجب افزایش اعتماد در بازار، بهبود نقدشوندگی سهام، کاهش هزینه تأمین مالی و افزایش اعتبار شرکت‌ها می‌شود.

«گزارش تفسیری مدیریت (MC)»^{۱۷} یکی از مصادیق افشای اختیاری اطلاعات و معادل نمونه آمریکایی «گزارش

1. American Institute of Certified Public Accountants (AICPA)
2. Association of Chartered Certified Accountants (ACCA)
3. Organisation for Economic Co-operation and Development (OECD)
4. Canadian Institute of Chartered Accountants (CICA)
5. Institute of Chartered Accountants in England and Wales (ICAEW)
6. Financial Accounting Standards Board (FASB)
7. International Accounting Standards Board (IASB)
8. New Zealand Institute of Chartered Accountants (NZICA)
9. Tutino, Regolioso & Deri
10. Verrecchia
11. Botosan
12. Hail
13. Sengupta
14. Welker
15. Healy, Hutton & Palepu
16. Lang & Lundholm
17. Management Commentary (MC)

بحث و تحلیل مدیریت^۱ است که بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی^۲ در سال ۲۰۱۰ رهنمود ارائه آن را منتشر نمود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰). در واقع MC یکی از گزارش‌های مکمل صورت‌های مالی است که می‌تواند به افشای هر چه بیشتر اطلاعات شرکت‌ها در جهت تأمین منافع استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) کمک نماید. سازمان بورس و اوراق بهادار که طی سال‌های اخیر با هدف افزایش شفافیت اطلاعاتی، توسعه بازار سرمایه و ارتقاء جایگاه بین‌المللی بازار سرمایه کشور، رویکرد هم‌گرایی با استانداردهای بین‌المللی را در دستور کار خود قرار داده است (حسینی و همکاران، ۱۴۰۰)، از سال ۱۳۹۶ با نسخه برداری از بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، تهیه MC را برای کلیه ناشران بورس و فرابورس کشور الزامی نمود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ الف).

به اعتقاد کارشناسان، شرکت‌ها در تهیه این گزارش دقت لازم را بکار نبرده و ضوابط تهیه آن را چندان جدی نگرفته‌اند (سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹). یافته‌های برجانه، رحیمیان و باقری (۱۴۰۱) مبنی بر پایین بودن میزان انطباق سطح افشا در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌ها با الزامات تهیه این گزارش را می‌توان به عنوان شواهدی تجربی از این موضوع دانست. از سوی دیگر، بررسی ضوابط تهیه این گزارش نیز نشان می‌دهد که این ضوابط لزوماً رهنمود کافی و مناسبی در خصوص رفع بسیاری از این مشکلات ندارند. در این زمینه بررسی چرایی توجه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی به پروژه به روزرسانی بیانیه MC از سال ۲۰۱۷، این موضوع را به خوبی نشان می‌دهد. همچنین، با بررسی بیانیه سال ۲۰۱۰ و پیش‌نویس اخیر این بنیاد در زمینه MC، می‌توان دریافت که هدف از این بیانیه‌ها، ارائه چک لیست یا هرگونه مصادیق افشا در زمینه تهیه آن نبوده و بر مبنای رویکرد مبتنی بر اصول، تنها بر رهنمودهای کلی اکتفا نموده‌اند، که این موضوع می‌تواند یکی از دلایل ناکافی بودن این بیانیه‌ها به‌منظور ارائه مناسب‌تر MC به شمار آید. در همین زمینه، بر مبنای یافته‌های آلوارز، کالوو و مورا^۳ (۲۰۱۴)، بسیاری از محققان اعتقاد دارند که اجرای بیانیه مربوط به تهیه MC، بدون داشتن راهنما و مثال‌های کاربردی مشکل است.

افزون بر این، بررسی ادبیات و پیشینه نظری موجود نشان می‌دهد که تاکنون هیچ پژوهش تجربی در زمینه ارائه مصادیق افشای گزارش‌های مدیریتی انجام نشده است. در این زمینه برخی پژوهش‌ها (مانند: بشیری منش و رحمانی، ۱۳۹۵؛ محمدیان و ستایش، ۱۳۹۷) به واکاوی اهمیت ارائه اقلام افشای اختیاری پرداخته‌اند که این اقلام به‌صورت جامع و نه مختص گزارش‌های مدیریتی بوده و متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) نیست.

با توجه به آنچه بیان شد این پژوهش قصد دارد تا در جهت پر کردن خلأ پژوهشی موجود و با در نظر گرفتن آخرین پیشرفت‌ها در این زمینه، الگویی بومی از MC را با شناسایی مصادیق افشای موردنیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی در ایران ارائه کند. از این‌رو ابتدا مصادیق افشای مناسب را شناسایی و سپس جهت بومی نمودن آن متناسب با شرایط محیطی ایران، مورد آزمون تجربی قرار می‌دهد. بنابراین با در نظر گرفتن شش عنصر محتوایی به

1. Management Discussion and Analysis (MD&A)

2. International Financial Reporting Standards (IFRS) Foundation

3. Alvarez, Calvo & Mora

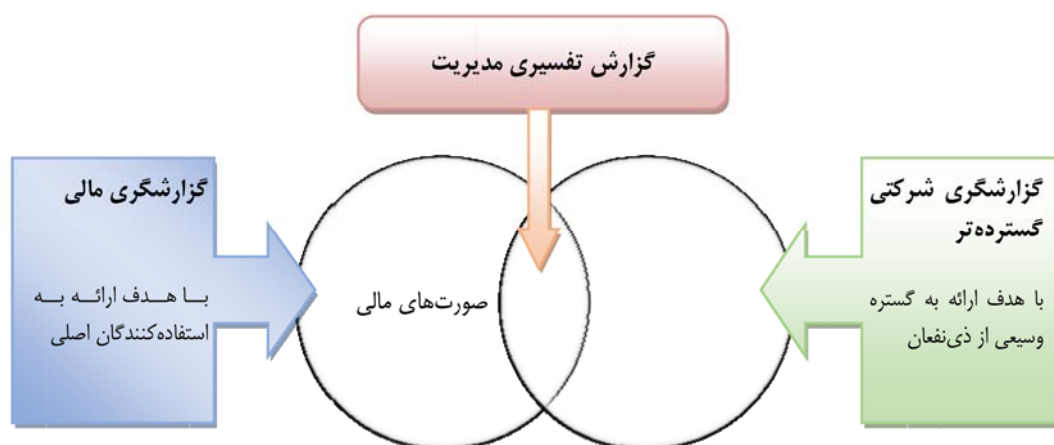
عنوان محتوای اصلی MC، قصد دارد تا به پرسش‌های بعدی پاسخ دهد. ۱. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در هر یک از عناصر محتوایی MC چه مواردی هستند؟ و ۲. اهمیت نسبی مصادیق افشای شناسایی شده در هر یک از عناصر محتوایی MC در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟ در ادامه پژوهش، ابتدا پیشینه نظری و تجربی و سپس روش‌شناسی و یافته‌های بخش کیفی و کمی پژوهش بیان می‌شود. در نهایت نیز نتیجه‌گیری، پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش بیان می‌گردند.

مبانی نظری

گزارش تفسیری مدیریت

در سال ۲۰۰۲، هیئت استانداردهای بین‌المللی حسابداری، پروژه تدوین MC را با درک عدم کفایت اطلاعات صورت‌های مالی در جهت تأمین اهداف گزارشگری مالی شروع کرد. با اتمام این پروژه، بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، بیانیه‌ای غیرالزام آور را در زمینه تهیه این گزارش در سال ۲۰۱۰ منتشر کرد. طبق این بیانیه، MC یک گزارش توصیفی است که زمینه‌ای را برای تفسیر وضعیت مالی، عملکرد مالی و جریان‌های نقدی واحد تجاری فراهم می‌آورد. MC همچنین این فرصت را برای مدیریت فراهم می‌آورد تا به تشریح اهداف و راهبردهای خود جهت دستیابی به آن اهداف بپردازد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰). عناصر MC طبق این بیانیه شامل ۱. ماهیت کسب‌وکار ۲. اهداف و راهبردها ۳. منابع، ریسک‌ها و روابط ۴. نتایج و چشم‌اندازها ۵. شاخص‌ها و معیارهای عملکرد می‌باشند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۰). به گونه کلی، این گزارش، اطلاعات کمی و کیفی، اطلاعات مالی و غیرمالی و اطلاعات گذشته‌نگر و آینده‌نگر را شامل می‌شود.

در سال ۲۰۱۷، بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پروژه به روزرسانی بیانیه سال ۲۰۱۰ MC را در دستور کار خود قرار داد. این بنیاد دلایلی چون اهمیت فزاینده منابع و روابط نامشهود کسب‌وکار، اطلاعات تکمیلی برای پشتیبانی از تصمیم‌گیری‌های بلندمدت، پشتیبانی بهتر در جهت تفسیر بهتر صورت‌های مالی، پوشاندن شکاف‌های موجود در بیانیه فعلی، تلفیق و گنجاندن پیشرفت‌های مربوط از دیگر چارچوب‌های گزارشگری (مثل گزارشگری پایداری) و افزایش الزامات با اهداف متنوع را از دلایل به روزرسانی این بیانیه برشمرد (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۸). رویکرد این پروژه مبتنی بر اصول به‌منظور ارائه رهنمود افشا، به‌جای رویکرد مبتنی بر تجویز چک لیست افشا است. یک واحد تجاری ممکن است MC را به عنوان یک گزارش مستقل یا به همراه سایر اطلاعات به عنوان بخشی از یک گزارش بزرگ‌تر ارائه دهد. واحد تجاری باید MC را به وضوح شناسایی کند و آن را از سایر اطلاعات ارائه شده در همان گزارش یا سایر گزارش‌های منتشر شده توسط واحد تجاری متمایز نماید. همچنین مخاطبان این گزارش مطابق با چارچوب مفهومی گزارشگری مالی صرفاً استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی شامل سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر بستانکاران هستند (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱). شکل ۱ وضعیت و حدود MC را در میان چارچوب‌های گزارشگری نشان می‌دهد.



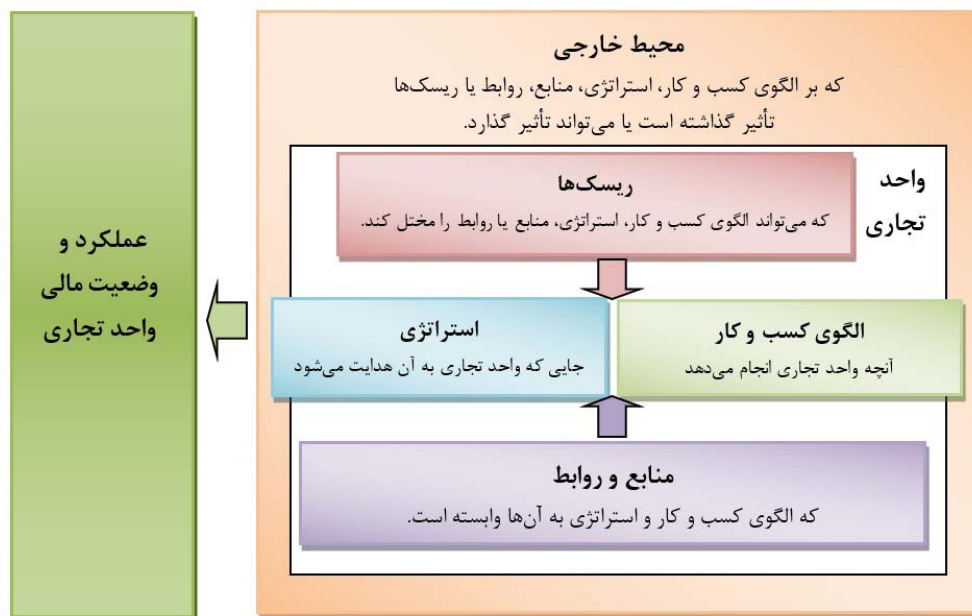
شکل ۱. وضعیت و حدود MC در میان چارچوب‌های گزارشگری

(بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۰؛ ۵)

همان‌گونه که در این شکل مشخص است، دایره سمت چپ، گزارشگری مالی با هدف ارائه به استفاده‌کنندگان اصلی صورت‌های مالی است و دایره سمت راست گزارشگری شرکتی گسترده‌تر با هدف ارائه اطلاعات به گستره وسیعی از ذی‌نفعان است. همچنین MC محل اشتراک هر دو نوع گزارشگری است؛ به عبارت دیگر، این گزارش مکمل و متمم صورت‌های مالی بوده که هدف از ارائه آن تنها شناسایی و ارائه آن بخش از اطلاعات دیگر چارچوب‌های گزارشگری است که بتواند «استفاده‌کنندگان اصلی» را در درک و تفسیر بهتر صورت‌های مالی و ارزیابی چشم‌انداز آتی واحد تجاری یاری کند.

افزون بر این موارد، بررسی اسناد مطالعاتی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پروژه به‌روزرسانی MC نشان می‌دهد که عناصر محتوایی پیشنهادی این بنیاد، در ابتدا شامل چهار عنصر الگوی کسب‌وکار؛ استراتژی؛ ریسک و محیط عملیاتی و در نهایت عملکرد، وضعیت و پیشرفت بود (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۱۹)، اما در حال حاضر این عناصر به شش عنصر تغییر یافته است که عبارت‌اند از: ۱. الگوی کسب‌وکار؛ ۲. استراتژی؛ ۳. منابع و روابط؛ ۴. ریسک‌ها؛ ۵. محیط خارجی و ۶. عملکرد و وضعیت مالی تغییر یافته است (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱). شکل ۲ عناصر یاد شده و روابط بین آن‌ها را بر مبنای پیش‌نویس اخیر بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نشان می‌دهد. همان‌گونه که این شکل نشان می‌دهد، هر واحد تجاری، به‌منظور ایجاد ارزش و تولید جریان‌های نقد آتی، الگوی کسب‌وکار خود را دارد. همچنین واحد تجاری، برای حفظ و توسعه الگوی کسب‌وکار و فرصت‌هایی که مدیریت دنبال می‌کند، استراتژی خاص خود را دارد. از طرفی، الگوی کسب‌وکار و استراتژی واحد تجاری به منابع و روابط آن، از جمله منابعی که در صورت‌های مالی واحد تجاری به عنوان دارایی شناسایی نشده‌اند، وابسته است. همچنین واحد تجاری در معرض ریسک‌هایی قرار دارد که می‌توانند بر الگوی کسب‌وکار، استراتژی، منابع یا روابط آن تأثیر گذاشته و آن‌ها را مختل سازند. افزون بر این، واحد تجاری از محیط خارجی نیز تأثیر می‌پذیرد. در حقیقت محیط خارجی و پیرامون واحد تجاری بر الگوی کسب‌وکار، استراتژی، منابع، روابط، ریسک‌ها تأثیر گذاشته یا می‌تواند تأثیر گذارد. و نهایتاً اینکه برآیند و اثر نهایی هر یک از این موارد بر عملکرد و وضعیت

مالی واحد تجاری خواهد بود؛ به عبارت دیگر این موضوع مدنظر است که عملکرد و وضعیت مالی شرکت چگونه از پنج عنصر محتوایی قبل تأثیر پذیرفته است یا می‌تواند در آینده تأثیر بپذیرد.



شکل ۲. عناصر محتوایی MC و روابط بین آنها

(بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱: ۷)

گزارش تفسیری مدیریت در ایران

سازمان بورس اوراق بهادار در تاریخ چهارم دی ماه ۱۳۹۶ الزامی شدن ارائه MC توسط شرکت‌ها را به تصویب رساند و بر اساس آن کلیه ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران مکلف شدند MC را طبق ضوابط تعیین شده توسط سازمان بورس اوراق بهادار تهیه و همراه با صورت‌های مالی میان‌دوره‌ای سه، شش و نه ماه و صورت‌های مالی سالانه ارائه کنند (جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۹۶). این گزارش در پاسخ به تقاضای فعالان بازار سرمایه مبنی بر کاهش توقف نمادها و افزایش نقدشوندگی سهام شرکت‌ها و با مطالعه وضعیت تعدادی از کشورها، جایگزین گزارش پیش‌بینی سود شد (جامعه حسابداران رسمی ایران، ۱۳۹۶ و سازمان حسابرسی، ۱۳۹۹).

چارچوب این گزارش برگرفته از بیانیه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه MC است. از این رو عناصر این گزارش شامل: ۱. ماهیت کسب‌وکار ۲. اهداف و راهبردها ۳. منابع، ریسک‌ها و روابط ۴. نتایج و چشم‌اندازها ۵. شاخص‌ها و معیارهای عملکرد می‌باشند (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ الف). همچنین سازمان بورس اوراق بهادار هم‌زمان با تهیه و الزام ضوابط MC، راهنمای به‌کارگیری این ضوابط را نیز در همان سال تهیه و در اختیار ناشران بورسی و فرابورسی قرار داده است. این راهنما، مصادیقی از افشای مرتبط با هر یک از عناصر MC و نمونه‌هایی برای ارائه اطلاعات در این گزارش را شامل می‌شود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب). براساس ضوابط تهیه MC

مصوب سازمان بورس اوراق بهادار، این ضوابط یک استاندارد حسابداری محسوب نمی‌شود. اما چارچوبی الزام‌آور برای ارائه MC محسوب می‌گردد. همچنین این گزارش جایگزین گزارش فعالیت هیئت‌مدیره‌ای نیست که طبق قانون تجارت و قانون بورس اوراق بهادار به صورت سالانه به مجمع شرکت‌ها ارائه می‌شود (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ الف).

پیشینه تجربی

برابر بررسی‌های دقیق به عمل آمده، تاکنون هیچ‌گونه پژوهش خارجی در ارتباط با مصادیق افشای مربوط به گزارش‌های مدیریتی شامل MC انجام نشده است. مهم‌ترین پژوهش‌های خارجی موجود در زمینه MC به چند پژوهش زیر مربوط می‌شود.

جوهانسن و پلنبرگ^۱ (۲۰۱۳) با رویکرد تحلیل اثربخشی هزینه به ارزیابی نسبی ۲۴ مورد از رایج‌ترین مصادیق افشای MC و یادداشت‌های همراه صورت‌های مالی از نظر میزان تقاضا و رضایت استفاده‌کنندگان در مقابل هزینه تهیه آن‌ها پرداختند. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش نشان داد که مسئولیت اجتماعی شرکتی و حاکمیت شرکتی کم تقاضاترین مصادیق در MC بوده اما از دیدگاه تهیه‌کنندگان بسیار پرهزینه هستند. همچنین، تهیه‌کنندگان گزارش‌های مالی، هزینه‌های مستقیم و غیرمستقیم مرتبط با اطلاعات ارائه شده در MC را ناچیز می‌دانند.

گینستی و اسپانو^۲ (۲۰۱۳) بر اساس بیانیه غیرالزام‌آور بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه MC به بررسی میزان رعایت افشای شرکت‌های ایتالیایی بر اساس این بیانیه پرداختند. آن‌ها چک لیستی از ۲۱ مصداق افشا را در رابطه با پنج عنصر محتوایی MC تهیه و به بررسی میزان افشای این مصادیق در نمونه‌ای از ۶۶ شرکت ایتالیایی پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که به نظر نمی‌رسد سطح افشای ارائه شده توسط شرکت‌های ایتالیایی تحت تأثیر بیانیه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه MC باشد. با این حال، بر اساس یافته‌های این پژوهش، تفاوت‌های زیادی در سطح و نوع افشای ارائه شده در MC در میان صنایع مختلف و شرکت‌ها وجود دارد.

آلوارز، کالوو و مورا^۳ (۲۰۱۴) با هدف برجسته کردن و توجه به نظرات دانشگاهی در فرایند استانداردگذاری حسابداری و در پاسخ به درخواست استانداردهاگران به مشارکت مجامع دانشگاهی در فرایند استانداردگذاری، از طریق روش دلفی به دریافت نظر خبرگان در رابطه با پروژه MC بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی پرداختند. موضوعات مورد بحث، به صورت کلی شامل سودمندی و استفاده‌کنندگان MC، وضعیت الزامی بودن در مقابل غیرالزامی بودن، ویژگی‌های کیفی، رویکرد مبتنی بر اصول و لیست مطالب، مثال‌ها و رهنمودهای کاربردی و معیارهای جایگذاری بود. مهم‌ترین یافته‌های این پژوهش حاکی از این بود که نظرات دانشگاهی (که عملاً در فرایند مشورت‌خواهی رسمی غائب است) نتایج و ورودی‌های مهم و متفاوتی به همراه دارد. همچنین ویژگی‌های این ابزار اجازه می‌دهد تا استدلال‌های اضافی، که معمولاً در نامه‌های نظرخواهی رسمی مشخص نیست، از نظردهندگان به دست آید.

حسن الجواهری و ادان^۴ (۲۰۲۰) به بررسی تأثیر MC بر کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بورس اوراق بهادار عراق

1. Johansen & Plenborg

2. Ginesti & Spano

3. Alvarez, Calvo & Mora

4. Hassan Al Jawahry & Edan

پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که سطح قابل قبولی از افشا در MC نمونه انتخابی وجود ندارد. افزون بر این، نتایج مطالعه نشان داد که رابطه منفی‌ای بین سطح افشای MC و عدم تقارن اطلاعاتی وجود دارد. به عبارتی بهبود کیفیت MC به کاهش عدم تقارن اطلاعاتی کمک می‌کند.

علی، بوس و میاه^۱ (۲۰۲۱) در یک مطالعه بین‌المللی و براساس داده‌های ۶۳ کشور در بازه زمانی ۲۰۰۳ تا ۲۰۱۹ به بررسی رابطه بین افشای توصیفی مالی و فراتر از مالی در MC با ارزش‌گذاری شرکت و اثر تعدیلی مکانیسم‌های حاکمیت داخلی و خارجی پرداختند. نتایج حاصل از این مطالعه نشان داد که افشای توصیفی مالی و فراتر از مالی در MC رابطه مثبتی با ارزش‌گذاری شرکت دارد؛ از این‌رو شرکت‌های با میزان افشای توصیفی بیشتر در MC، دارای ارزش بالاتری هستند. همچنین این رابطه برای شرکت‌های با مکانیسم‌های حاکمیت داخلی (حاکمیت شرکتی) و حاکمیت خارجی (مالکیت سهام‌داران نهادی و پوشش تحلیلگران) بهتر، بارزتر است.

اخیراً ردماین، اهلای و استنت^۲ (۲۰۲۲) سودمندی MC را از نظر استفاده‌کنندگان، تهیه‌کنندگان و حساب‌رسان، مورد بررسی قرار دادند. یافته‌های این مطالعه نشان داد که حساب‌رسان MC را در مقایسه با دو گروه دیگر کمتر سودمند می‌دانند، اما قابلیت اطمینان بخشی آن را ضروری‌تر می‌دانند. همچنین هر سه گروه، اجباری بودن تهیه این گزارش را سودمند می‌دانند. افزون بر این، در رابطه با اهداف، اصول و محتوای MC به ترتیب ارزیابی مباشرت مدیریت؛ تمرکز بر مهم‌ترین و مربوط‌ترین اطلاعات؛ و وضعیت و عملکرد واحد تجاری و جریان‌های نقدی سودمندترین اهداف، اصول و محتوای این گزارش از منظر پاسخ‌دهندگان هستند.

در ایران پژوهشی‌های تجربی انجام شده در زمینه MC تنها به دو پژوهش محدود (طاهری‌نیا و دربندی فراهانی، ۱۴۰۱ و برجانه، رحیمیان و باقری، ۱۴۰۱) ختم می‌شود. از این‌رو در ادامه، افزون بر دو پژوهش یاد شده، برخی از مهم‌ترین پژوهش‌های مرتبط با الگوها و مصادیق افشای اطلاعات ارائه می‌گردد:

شیرینی منش و رحمانی (۱۳۹۵) به تدوین الگوی افشای اختیاری شرکت‌ها پرداختند. با بررسی ادبیات حوزه افشای اختیاری، آن‌ها الگویی متشکل از ده بعد در ۲۳۳ قلم طراحی کرده، روایی و پایایی آن را بر حسب نظر خبرگان مورد تأیید قرار داده و سپس آن را در بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد ارزیابی قرار دادند. یافته‌های این پژوهش حاکی از همبستگی بالای اقلام تعیین شده در هر یک از ابعاد با نمره کل آن بعد و همچنین همبستگی بالای نمره هر یک از ابعاد با نمره کل افشای اختیاری بود. دیگر یافته‌ها نشان داد که افشای اطلاعات در بعد اطلاعات مالی در سطح بالاتر و در بعد عملکرد اجتماعی در سطح پایین‌تری نسبت به دیگر ابعاد صورت می‌گیرد.

محمدیان و ستایش (۱۳۹۷) به تدوین الگویی برای گزارشگری مالی و غیرمالی بانک‌ها از طریق شاخص‌سازی گزارشگری شهروند شرکتی پرداختند. از این‌رو ابتدا با استفاده از مطالعات کتابخانه‌ای و استفاده از نظر خبرگان، ابعاد الگوی گزارشگری، مؤلفه‌های هر یک از ابعاد و شاخص‌های هر یک از مؤلفه‌ها را استخراج کردند. سپس با استفاده از پرسش‌نامه، دیدگاه افراد ذیصلاح در این حوزه را جمع‌آوری و با استفاده از تحلیل عامل تأییدی (مرتب‌های اول، دوم و

1. Ali, Bose & Miah

2. Redmayne, Ehalaiye & Stent

سوم) آزمون کردند. نتایج حاصل از پژوهش آن‌ها در قالب یک الگو با چهار بعد اقتصادی، اجتماعی، محیطی و راهبری در قالب ۱۵ مؤلفه و ۹۰ شاخص به عنوان الگوی بومی برای گزارشگری مالی و غیرمالی بانک‌های ایرانی ارائه شد. میرمحمدی و تالانه (۱۴۰۰) با استفاده از روش تحلیل تم و مصاحبه با خبرگان به شناسایی سنجه‌های غیرمالی‌ای پرداختند که می‌تواند به تصمیم‌گیرندگان کمک نماید. از این رو ابعاد متفاوت سنجه‌های غیرمالی مانند گزارشگری سنجه‌های غیرمالی با منشأ درون سازمانی و برون سازمانی، کمی و کیفی، مکان و تناوب گزارشگری، و اختیاری و اجباری بودن را مورد توجه قرار دادند. بر مبنای یافته‌های این مطالعه، چهار تم اصلی شامل تم کلیات، انواع سنجه‌های غیرمالی، گزارشگری و حسابرسی سنجه‌های غیرمالی و پیامدهای سنجه‌های غیرمالی شناسایی شد. همچنین ۲۷ سنجه غیرمالی در قالب چهار گروه سنجه‌های غیرمالی درون سازمانی کمی، درون سازمانی کیفی، برون سازمانی کمی و برون سازمانی کیفی، دسته بندی شدند.

اخیراً طاهری‌نیا و دربندی فراهانی (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر هم‌زمان MC و گزارش پیش‌بینی سود توسط مدیران بر تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری با تعدیلگری متغیر عدم اطمینان محیطی پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که رابطه دوطرفه و مثبت بین کیفیت افشای هم‌زمان MC و گزارش پیش‌بینی سود توسط مدیران با تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری به صورت جداگانه وجود دارد. همچنین، در یک محیط با عدم اطمینان بالا، شدت ارتباط بین کیفیت افشا و تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. به عبارت دیگر با افزایش عدم اطمینان محیطی، مدیریت می‌تواند با بهبود کیفیت افشای اطلاعات، تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری را افزایش دهد.

اخیراً برجانه، رحیمیان و باقری (۱۴۰۱) نیز به بررسی میزان انطباق افشای اطلاعات در MC با الزامات بیانیه سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی و همچنین بررسی رابطه بین خصوصیات شرکت‌ها با سطح افشای اطلاعات در این گزارش پرداختند. یافته‌های این پژوهش نشان داد که میزان رعایت الزامات افشا طبق بیانیه بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در شرکت‌های ایرانی کمتر از میانگین و در حدود ۴۲ درصد است. همچنین شرکت‌ها بیشتر اطلاعات مالی خود را در MC افشا می‌کنند و کمتر به اطلاعات غیرمالی توجه دارند. افزون بر این دیگر یافته‌های این پژوهش نشان داد که در بین خصوصیات شرکتی؛ اهرم مالی، سودآوری، اصول حاکمیت شرکتی، نوع مالکیت، فروش صادراتی، اندازه شرکت و نوع صنعت بر سطح افشای اطلاعات در MC تأثیر دارند؛ اما سن شرکت تأثیری بر آن ندارد.

نقد پژوهش‌های پیشین و نوآوری پژوهش

بررسی ادبیات و پیشینه مرتبط با MC نشان می‌دهد که پژوهش‌های خارجی در این زمینه بسیار اندک بوده و تاکنون هیچ پژوهشی به ارائه الگوی از مصادیق افشای مربوط به تهیه این گزارش نپرداخته است. این موضوع به‌ویژه از این جهت حائز اهمیت است که رهنمود سال ۲۰۱۰ بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در زمینه تهیه MC و پروژه سال ۲۰۱۷ این بنیاد در زمینه به روزرسانی این رهنمود، تنها به ارائه رهنمودهای کلی اکتفا کرده و تأکید آن بر ارائه مصادیق افشا در این زمینه نیست. همچنین در ایران، پژوهش‌های موجود در زمینه MC تنها به دو پژوهش محدود ختم شده که در یک مورد تأثیر ویژگی‌های شرکت بر سطح افشای گزارش تفسیری مدیریت (برجانه، رحیمیان و باقری،

۱۴۰۱) و در دیگری تأثیر هم‌زمان گزارش تفسیری مدیریت و گزارش پیش‌بینی سود بر عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری (طاهری‌نیا و دربندی فراهانی، ۱۴۰۱)، بررسی شده است و ارتباطی با الگوی مصادیق افشا در زمینه MC ندارد. از سوی دیگر، برخی پژوهش‌های مرتبط با ارائه اقلام افشای اختیاری (مانند: بشیری منش و رحمانی، ۱۳۹۵ و محمدیان و ستایش، ۱۳۹۷) نیز این اقلام را از منظر پژوهش خود در ارتباط با افشای اختیاری ارائه کرده‌اند که ارتباطی با مصادیق افشای مرتبط با گزارش‌های مدیریتی و به‌ویژه MC که متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) است، ندارند.

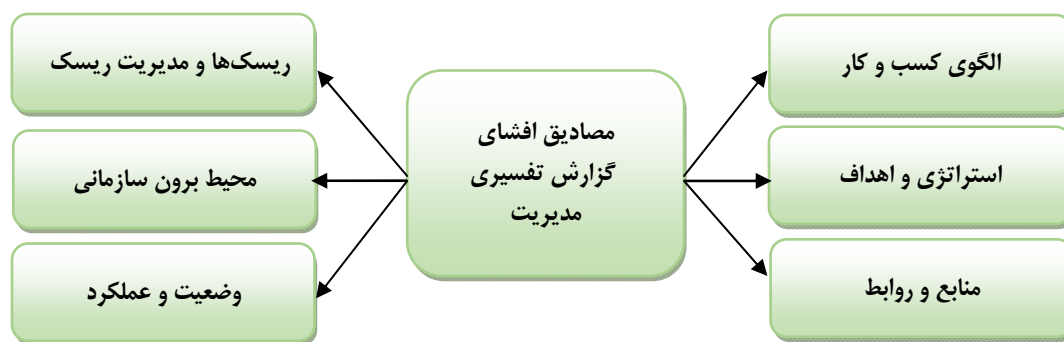
اهمیت این پژوهش نوآوری آن است که در ابعاد زیر بیان می‌گردند: اول، این پژوهش به عنوان یک نیاز کاربردی برای اولین بار در دنیا با درک اهمیت MC و لزوم شناسایی مصادیق افشای آن به ارائه الگو در این زمینه می‌پردازد. دوم، الگو و مصادیق افشای مناسب را به صورت ترکیبی (کیفی و کمی) شناسایی می‌کند که مرحله کیفی آن به شیوه تحلیل محتوای کیفی با شناسایی مهم‌ترین، به‌روزترین و جامع‌ترین مصادیق افشا کمک می‌نماید و مرحله کمی آن نیز با بهره‌گیری از شیوه پیمایشی، آزمون‌های کمی و تحلیل عامل تأییدی، بومی نمودن الگو و متناسب‌سازی آن با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی را تسهیل می‌کند. سوم، یافته‌های این پژوهش باعث گسترش مرزهای دانش و توسعه ادبیات نظری حوزه افشا و به‌ویژه گزارش‌های مدیریتی می‌شود. چهارم، این پژوهش متناسب با نیاز کشور بوده و یافته‌های آن می‌تواند به سازمان‌های ناظر و تدوین‌کننده مقررات بازار سرمایه در زمینه تدوین هرگونه استاندارد یا رهنمود مربوط به تهیه گزارش تفسیری مدیریت کمک کند. پنجم، چشم‌انداز و افق جدیدی را به روی پژوهشگران علاقه‌مند در این زمینه باز گشوده تا ضمن بهره‌گیری از الگوی تدوین شده به انجام پژوهش بیشتر در این حوزه مبادرت ورزند.

روش‌شناسی پژوهش

هدف این پژوهش شناسایی و ارائه مصادیق افشای الگوی MC و آزمون تجربی در ایران آن است. از این‌رو متناسب با دیدگاه نیومن^۱ (۲۰۱۴)، چون موضوع پژوهش نو بوده و درباره آگاهی نسبت به یک موضوع و مبحث جدید به کاوش می‌پردازد، جزء پژوهش‌های اکتشافی محسوب می‌شود. همچنین از نظر رویکرد جزء پژوهش‌های ترکیبی (کیفی و کمی) است. در ادامه ابتدا الگوی مفهومی و سؤال‌های پژوهش، سپس روش‌شناسی و یافته‌های بخش کیفی و در ادامه روش‌شناسی کمی تشریح می‌گردند.

الگوی مفهومی و سؤال‌های پژوهش

این پژوهش بر مبنای مبانی نظری موجود و به‌ویژه آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پروژه به روزرسانی MC که تاکنون پیش‌نویس رهنمود جدید آن (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) منتشر شده است، موارد بعدی را به عنوان عناصر محتوایی الگوی پیشنهادی MC در جهت شناسایی مصادیق افشای آن‌ها، تعیین نمود: ۱. الگوی کسب‌وکار، ۲. استراتژی و اهداف، ۳. منابع و روابط، ۴. ریسک‌ها و مدیریت ریسک، ۵. محیط برون سازمانی و ۶. وضعیت و عملکرد. از این‌رو الگوی مفهومی پژوهش طبق شکل ۳ است.



شکل ۳. الگوی مفهومی پژوهش

همچنین سؤال‌های پژوهش به شرح زیر بیان می‌شود:

۱. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «الگوی کسب و کار» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟
۲. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «استراتژی و اهداف» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟
۳. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «منابع و روابط» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟
۴. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «ریسک‌ها و مدیریت ریسک» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟
۵. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «محیط برون سازمانی» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟
۶. مصادیق افشای متناسب با نیاز استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی ایران در بخش «وضعیت و عملکرد» چه مواردی هستند و اهمیت نسبی آن‌ها در مقایسه با یکدیگر چگونه است؟

روش اجرا و یافته‌های بخش کیفی پژوهش

جامعه آماری در بخش کیفی شامل کلیه پژوهش‌های منتشر شده در پایگاه‌های مختلف اطلاعاتی خارجی (Scopus، Science Direct، Emerald Insight، Springer، Wiley، Taylor & Francis، Sage، SSRN) و پایگاه‌های مختلف داخلی (پرتال جامع علوم انسانی، پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی، پایگاه گنج ایراندک، موتور جست‌وجوی علم نت) در بازه زمانی ۱۹۸۰ تا ۲۰۲۱ بوده که با استفاده از روش نمونه‌گیری هدفمند (کرپیندروف، ۲۰۰۴) برای دستیابی به نمونه مناسبی که اشباع نظری را موجب شوند، مورد بررسی قرار گرفتند. در حقیقت همان‌گونه که مؤمنی‌راد و همکاران (۱۳۹۲) بیان می‌کنند، در رویکردهای کیفی بر خلاف رویکردهای کمی که بر قوانین احتمالات در تعیین تعداد نمونه مناسب اتکا دارند، اشباع نظری تعداد نمونه مناسب را تعیین می‌کند. از این‌رو با رویکرد دستیابی به اشباع نظری، با بررسی دقیق و یافتن پژوهش‌هایی که در آن‌ها چک لیست و مصادیق افشا ارائه شده است، تعداد ۴۳ پژوهش یافت شد

که برای تحلیل محتوای کیفی مناسب تشخیص داده شدند. افزون بر این، مستندات مطالعات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پروژه به روزرسانی رهنمود ارائه MC از سال ۲۰۱۷ تا ۲۰۲۱، دیگر چارچوب‌های گزارشگری، نمونه گزارش‌های مالی و مدیریتی شرکت‌های داخلی و خارجی تا دستیابی به اشباع نظری مورد بررسی دقیق قرار گرفتند. جدول ۱ نمونه آماری مربوط به بخش تحلیل محتوای کیفی پژوهش را نشان می‌دهد.

جدول ۱. نمونه آماری بخش تحلیل محتوای کیفی پژوهش

اسناد بررسی شده در نمونه مورد مطالعه	
<p>Discussion Paper: Management Commentary (October 2005)/ IFRS practice statement Management Commentary: A framework for presentation (December 2010)/ Proposal to revise and update the Management Commentary Practice Statement (November 2017)/ Introduction to the Management Commentary (March 2018)/ Management Commentary Slide deck 3: Applying materiality (September 2018)/ Management Commentary Slide deck 4: Principles (September 2018)/ The Objective of Management Commentary (November 2018)/ AP5: Management Commentary presentation (March 2019)/ AP2: Management Commentary (July 2019)/ AP15A: Enhancing qualitative characteristics in management commentary (October 2019)/ Slide deck 2: Topics for further input (December 2019)/ AP15B: Business model (April 2020)/ AP15C: Strategy (April 2020)/ AP15D: Resources and relationships (April 2020)/ AP15A: Risks (May 2020)/ AP15B: External environment (May 2020)/ AP15C: Performance and position (July 2020)/ AP15D: Management measures and indicators (July 2020)/ AP15B: Progress (July 2020)/ AP15A: Overview of guidance on matters affecting long-term prospects, on intangible resources and relationships and on ESG matters (October 2020)/ Exposure Draft: Management Commentary (May 2021)/ Exposure Draft: Management Commentary—Basis for Conclusions (May 2021)/ Snapshot: Management Commentary (May 2021)</p>	<p>مطالعات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی (IFRS)</p>
<p>کاشانی پور و همکاران (۱۳۸۸)، دیدار و همکاران (۱۳۹۰)، پورحیدری و حسین پور (۱۳۹۱)، طالب‌نیا و همکاران (۱۳۹۱)، قربانی (۱۳۹۵)، بشیری منش و رحمانی (۱۳۹۵)، قادرزاده و همکاران (۱۳۹۶)، محمدیان و ستایش (۱۳۹۷)، پاریسیان و همکاران (۱۳۹۷)، مهرانی و همکاران (۱۴۰۰)</p> <p>Firth (1979), Botosan (1997), Street & Bryant (2000), Hail (2002), Qu & Leung (2006), Guthrie & etal (2006), Huafang & Jianguo (2007), Banghøj & Plenborg (2008), Hossain & Hammami (2009), Shalev (2009), Elsayed & Hoque (2010), Akhtaruddin & Haron (2010), Cahaya & etal (2012), Rashid & etal (2012), Haji & Ghazali (2012), Depoers & Jeanjean (2012), Murcia & Santos (2012), Samaha & etal (2012), Haji & Ghazali (2013), Choi & etal (2013), Qu & etal (2013), Kaya (2014), Buckby & etal (2015), Gajewski (2015), Habbash & etal (2016), Rakib Khan (2016), Al-Maghzom & etal (2016), El-Diftar & etal (2017), Musawa & etal (2017), Syed & Butt (2017), Mohammadi & etal (2018), Weber (2018), Wardhani (2019)</p>	<p>پژوهش‌های داخلی و خارجی</p>
<p>چارچوب نظری گزارشگری مالی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی؛ چارچوب مفهومی حسابداری پایداری هیئت استانداردهای حسابداری پایداری^۱؛ رهنمود گزارشگری پایداری سازمان ابتکار گزارشگری جهانی^۲؛ رهنمودها و الزامات تهیه گزارش‌های مدیریتی در آمریکا، کانادا و انگلستان، راهنمای به‌کارگیری ضوابط گزارش تفسیری مدیریت سازمان بورس اوراق بهادار ایران</p>	<p>دیگر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری</p>

اسناد بررسی شده در نمونه مورد مطالعه	
شرکت بورس اوراق بهادار تهران، سرمایه‌گذاری تأمین اجتماعی، ملی صنایع مس ایران، پالایش نفت اصفهان، همکاران سیستم، داروسازی عبیدی، آلومینیوم ایران، توسعه و عمران امید، سیمان داراب، کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران، گروه پتروشیمی سرمایه گذاری ایرانیان، بیمه البرز، سرمایه‌گذاری کشاورزی کوثر، بانک پارسیان، صنعتی و معدنی گل گهر، خودروسازی سایپا، شرکت مخابرات ایران، پتروشیمی پردیس، فولاد مبارکه اصفهان Microsoft, HSBC, SAP, Scania, Toyota Financial Services Philippines Corporation, Welltec, Straker translations group, BPM, Deloitte, Oando PLC, Nestle, Shell	نمونه گزارش‌های مالی و مدیریتی شرکت‌های داخلی و خارجی

در ادامه به منظور استخراج و شناسایی مصادیق افشا، از روش تحلیل محتوای کیفی استفاده شد. این بخش طبق روش ارائه شده توسط کریپندورف^۱ (۲۰۰۴) بر مبنای شش مرحله بعدی انجام شد:

۱. واحدسازی (انتخاب واحد تحلیل): اولین وظیفه در هر مطالعه تجربی تصمیم‌گیری نسبت به این موضوع است که چه چیزی باید مشاهده شود، چگونه مشاهدات باید ثبت و پس از آن داده‌ها در نظر گرفته شوند (کریپندورف، ۲۰۰۴). انتخاب واحد تحلیل یا واحد ثبت در همین راستا است. در این پژوهش واحد تحلیل یا ثبت همانند بسیاری از پژوهش‌های کیفی «مضمون»^۲ در نظر گرفته شد. مضمون‌ها پرارزش‌ترین واحدهایی هستند که باید در تجزیه و تحلیل محتوا مدنظر قرار گیرند و منظور از مضامین معنای خاصی است که از یک کلمه یا جمله یا پاراگراف مستفاد می‌شود. این مضمون‌ها فضای خالی یا مشخصی را اشغال نمی‌کنند، چون یک جمله ممکن است چند مضمون داشته باشد و یا چند پاراگراف متن، ممکن است فقط یک مضمون داشته باشند (معروفی و یوسف‌زاده، ۱۳۸۸).

۲. نمونه‌گیری: در این پژوهش همانند بسیاری از پژوهش‌های کیفی، شیوه نمونه‌گیری به صورت هدفمند (کریپندورف، ۲۰۰۴) انتخاب شد و از این‌رو کلیه مستندات به صورت قضاوتی و در جهت هدف پژوهش انتخاب و تا حدی که اشباع نظری را موجب شود، مورد بررسی قرار گرفتند. نمونه مورد بررسی در جدول ۱ ارائه شده است.

۳. ثبت/کدگذاری داده‌ها: این مرحله بر مبنای پروتکل کدگذاری و متناسب با رویکرد قیاسی انجام شد. از این‌رو همان‌گونه که مؤمنی‌راد و همکاران (۱۳۹۲) بیان می‌کنند، در این رویکرد از تحلیل محتوای کیفی، محقق با مفروض گرفتن برخی تعاریف و تعمیم‌ها به عنوان طبقات، متن موردنظر را به صورت کیفی تحلیل می‌کند و به دنبال مصادیقی از تعاریف و تعمیم‌ها در کل متن می‌گردد. بر اساس پروتکل کدگذاری در این مرحله، مستندات نمونه مورد مطالعه به طور دقیق مورد بررسی قرار گرفته و متناسب با تعریف و مفهوم هر یک از شش عنصر محتوایی الگوی پژوهش (۱). الگوی کسب‌وکار، ۲. استراتژی و اهداف، ۳. منابع و روابط، ۴. ریسک‌ها و مدیریت ریسک، ۵. محیط برون سازمانی و ۶. وضعیت و عملکرد، مضامین مرتبط شناسایی و در ارتباط با هر یک از عناصر محتوایی یاد شده دسته‌بندی و ثبت گردیدند. جدول ۲، نمونه‌هایی از مضامین ثبت شده حاصل از تحلیل محتوای کیفی را نشان می‌دهد.

جدول ۲. نمونه‌هایی از مضامین ثبت شده در تحلیل محتوای کیفی

عناصر محتوایی	نمونه‌ای از متن‌های مورد بررسی	مضمون ثبت شده
الگوی کسب و کار	Material information about the range, nature and scale of the entity's operations could include:(a) an overview of the entity and of the range of its operations; (b) a description of the entity's operations and quantitative information about their scale (c) a description of operations conducted through associates and joint ventures, and quantitative information about their scale; (d) ... (IFRS, 2021a)	اطلاعات مرتبط با دامنه، ماهیت و مقیاس عملیات شرکت
	By providing increasingly sustainable transport solutions, Scania creates lasting value for all our stakeholders along the life cycle of our products – from our customers to society as a whole. (Scania, Annual and Sustainability Report, 2020).	اطلاعات مربوط به نحوه خلق ارزش در شرکت
	تشریح و بیان چشم‌انداز آتی (چک لیست افشای اختیاری پژوهش؛ پورحیدری و حسین‌پور، ۱۳۹۱)	اطلاعات مربوط به چشم‌انداز آتی شرکت
استراتژی و اهداف	برنامه‌های میان مدت ۲- افزایش سطح موجودی‌ها جهت جلوگیری از کمبود مواد اولیه به دلیل تحریم‌های اقتصادی (گزارش فعالیت هیئت مدیره، شرکت داروسازی عبیدی، ۱۳۹۹)	اطلاعات مربوط به برنامه‌های مقابله با تحریم‌های بین‌المللی
	Programs for skills management and lifelong learning that support the continued employability of employees and assist them in managing career endings (Global Reporting Initiative, 2006).	اطلاعات مربوط به کارکنان (برنامه‌های آموزشی)
منابع و روابط	qualitative commentary on the quality of the company's key relationships with investors, employees, customers, creditors, suppliers and other significant parties (Disclosure checklist, Qu & Leung, 2006).	روابط کلیدی شرکت با سرمایه‌گذاران، کارکنان، مشتریان، بستانکاران، عرضه‌کنندگان و ...
	Strategic Risks: Our market share and profit could decline due to increased competition, market consolidation, technological innovation, and new business models in the software industry (SAP, SAP Integrated Report, 2017)	اطلاعات مربوط به ریسک‌های استراتژیک
ریسک‌ها و مدیریت ریسک	How this risk is managed: We continue to explore for and mature hydrocarbon across our Upstream and Integrated Gas businesses. We use our subsurface, project and technical expertise, and actively manage non-technical risks across a diversified portfolio of opportunities and projects. This involves adopting an integrated approach for all stages, from basin choice to development. We use competitive techniques and benchmark our approach internally and externally (Shell, Strategic Report, 2020)	اطلاعات مربوط به چگونگی مدیریت ریسک‌ها
	در صورت تداوم بحران آب و عدم تأمین آب پایدار، امکان وقفه در فعالیت شرکت و به تبع آن وقفه در فعالیت صنایع همجوار وجود دارد (گزارش تفسیری مدیریت، شرکت پالایش نفت اصفهان، ۱۳۹۸)	اطلاعات مربوط به روند تغییرات زیست محیطی
محیط برون سازمانی	رشد تکنولوژی و فناوری‌های نوین مبتنی بر فعال شدن استارت‌آپ‌ها در صنعت بیمه باعث شده تا سطح دسترسی شهروندان به خدمات بیمه‌ای افزایش یابد که البته این تغییر بنیادین و گریزناپذیر دستکم بر فعالان و بازیگران سنتی صنعت بیمه از جمله نمایندگان شرکت‌های بیمه‌ای یک خطر خواهد بود. امروزه استفاده از خدمات بیمه‌ای آنلاین بر بستر استارت‌آپ‌ها در	اطلاعات مربوط به روند تغییرات تکنولوژیکی

عناصر محتوایی	نمونه‌ای از متن‌های مورد بررسی	مضمون ثبت شده
	حالی رو به افزایش نهاده که از یک سو سهولت و سرعت دسترسی به خدمات بیمه‌ای را به ارمغان آورده و از سوی دیگر اشتغال بالای نمایندگان شرکت‌های بیمه را به چالش کشانده است. به گونه‌ای که انتظار می‌رود در آینده نزدیک بسیاری از نمایندگان بیمه خواسته یا ناخواسته تصمیم به پایان فعالیت خود بگیرند و عرصه رقابت را به بازیگران و نمایندگان آنلاین بسپارند (گزارش تفسیری مدیریت، شرکت بیمه البرز، ۱۳۹۸)	
	Projected Information: i: Forecasted market share; ii: Cash flow forecast; iii: Capital expenditures and/or R&D expenditure forecast; iv: Profit forecast; v: Sales forecast (Disclosure checklist, Botosan, 1997)	اطلاعات مربوط به پیش‌بینی‌های کمی عملکرد و وضعیت شرکت
	نسبت‌های مالی: نسبت آنی، نسبت جاری، نسبت گردش موجودی کالا، دوره وصول مطالبات، نسبت گردش عملیات، نسبت بدهی، بازده حقوق صاحبان سهام، بازده دارایی‌ها، بازده سرمایه در گردش، تحلیل تغییرات در نسبت‌های مالی (شاخص‌های افشای داوطلبانه، پاریسیان و همکاران، ۱۳۹۷).	ارائه و تحلیل نسبت‌های مالی
وضعیت و عملکرد	با توجه به کمتر بودن سرمایه ثبت شده شرکت از حداقل سرمایه مطلوب بورس‌ها طبق مصوبه شماره ۴۰۹ هیئت‌مدیره سازمان بورس و اوراق بهادار، شرکت ملزم به افزایش سرمایه ۲۰۰۰ میلیارد ریالی (معادل ۱۰۰ درصد سرمایه فعلی) بوده که افزایش سرمایه مذکور در تاریخ ۱۳۹۹/۰۶/۲۰ به تصویب مجمع عمومی فوق العاده رسیده و در تاریخ ۱۳۹۹/۱۲/۰۴ در مرجع ثبت شرکت‌ها به ثبت رسیده است (گزارش تفسیری مدیریت، شرکت بورس اوراق بهادار تهران، ۱۳۹۹).	اطلاعات مربوط به افزایش سرمایه شرکت

۴. تقلیل داده‌ها: تقلیل داده‌ها نیاز تحلیلگران به نمایش کارآمد، به‌ویژه در ارتباط با حجم زیادی از داده‌ها را تأمین می‌کند. در حقیقت در این مرحله، داده‌ها بر مبنای شیوه‌های آماری یا دیگر عملکردهای ساده‌ساز به نماینده‌های قابل مدیریت تغییر می‌یابند (کرپندروف، ۲۰۰۴). در این مرحله داده‌های ثبت شده به طور مکرر مورد بازبینی قرار گرفته، موارد تکراری حذف و موارد مشابه ادغام گردیدند، تا اینکه تعداد زیر مقوله‌های هر یک از طبقات چارچوب گزارشگری و مصادیق افشای هر یک از عناصر محتوایی الگوی پژوهش به تعدادی که قابلیت مدیریت بهتری دارند، تقلیل یابند.

۵. استنباط (تفسیر داده‌ها): مهم‌ترین مرحله روش تحلیل محتوای کیفی، استنباط است، که بر اساس آن رابطه مفاهیم با یکدیگر مشخص می‌شود. از این‌رو در این پژوهش هر یک از مصادیق افشای شناسایی شده مورد واکاوی و مقایسه دقیق‌تر با یکدیگر قرار گرفته و به گونه مناسب‌تری مورد جرح و تعدیل قرار گرفتند تا ضمن جامع بودن، مانع بودن و داشتن استقلال، در قالب مصادیق افشای متناسب با هر یک از عناصر محتوایی الگوی پژوهش و به تعداد محدودتر و در عین حال جامع‌تر بیان گردند.

۶. توصیف (ارائه یافته‌ها): در این مرحله چک لیستی با ۸۸ مصداق افشا ارائه شد. جدول ۳ مصادیق افشای شناسایی شده در این مرحله را در رابطه با هر یک از شش عنصر محتوایی الگوی پژوهش نشان می‌دهد. شایان ذکر است ستون سمت چپ جدول (رتبه) بر مبنای یافته‌های بخش کمی پژوهش است که در بخش‌های بعد بیان می‌گردد.

جدول ۳. مصادیق افشای الگوی MC و اهمیت نسبی آن‌ها

رتبه	۱- الگوی کسب‌وکار
۵	(۱-۱) خلاصه‌ای از تاریخچه فعالیت شرکت
۲	(۲-۱) مروری بر دامنه فعالیت شرکت از قبیل صنعت یا صناعی مورد فعالیت، موقعیت مکانی فعالیت‌ها (شامل بخش‌های تجاری و جغرافیایی)، مقیاس این فعالیت‌ها و تجزیه و تحلیل تغییرات در آن‌ها
۳	(۳-۱) مروری بر بازارهای داخلی و بین‌المللی شرکت، سهم بازار و موقعیت رقابتی شرکت در آن بازارها و موانع ورود به این بازارها
۴	(۴-۱) اطلاعات مربوط به چرخه ایجاد ارزش و تولید جریان‌های نقدی شرکت شامل ورودی‌ها (منابع و روابط)، فرایندهای مختلف و خروجی‌ها (انواع محصولات و خدمات) و کانال‌های توزیع و دسته‌های مشتریان
---	(۵-۱) نمودار ساختار سازمانی شرکت و تشریح آن
۱	(۶-۱) اطلاعات مربوط به سهام‌داران اصلی شرکت
۶	(۷-۱) اطلاعات حاکمیت شرکتی از قبیل وضعیت کنترل‌های داخلی، اطلاعات مختلف مرتبط با اعضای هیئت مدیره، اطلاعات مربوط به واحد حسابرسی داخلی، کمیته حسابرسی و سایر کمیته‌ها
---	(۸-۱) اطلاعات مهم در مورد اثرات مثبت و منفی زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های شرکت که بر جریان‌های نقد آینده تأثیر گذاشته یا می‌تواند اثر گذارد (شامل شرح تأثیرات و علل آن، از جمله در بلندمدت)
رتبه	۲- استراتژی و اهداف
۱۱	(۱-۲) بیان رسالت (ماموریت)، ارزش‌ها، چشم‌انداز و استراتژی شرکت
۱۲	(۲-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف در راستای تأمین رسالت و استراتژی شرکت شامل شرح اهداف کوتاه مدت و بلندمدت و چگونگی دستیابی به اهداف
۹	(۳-۲) اطلاعات مرتبط با برنامه‌هایی که شرکت به‌منظور دستیابی به اهداف تعیین می‌کند، شامل اقدامات اجرایی مورد نظر و هرگونه اثرات مثبت و منفی این اقدامات
۳	(۴-۲) اطلاعات مرتبط با منابع مالی مورد نیاز برای اجرای استراتژی و اهداف شرکت، از قبیل برآورد منابع مالی مورد نیاز، روش مدیریت برای دستیابی به این منابع و رویکرد مدیریت در تخصیص منابع
۷	(۵-۲) اگر اهداف، برنامه‌های شرکت و منابع مالی مورد نیاز آن‌ها در دوره جاری نسبت به دوره قبل تغییر کرده باشد، بیان توضیحات مربوط به این تغییرات و دلایل آن
۱۰	(۶-۲) اطلاعات مرتبط با پیشرفت در اجرای استراتژی از قبیل تحلیل هرگونه پیشرفت در دستیابی به اهداف و عوامل آن، چگونگی ارتباط طرح‌های تشویقی (جبران خدمات) با پیشرفت در اجرای استراتژی
۱	(۷-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به افزایش تولید، بهره‌وری و درآمد شرکت، کاهش بهای تمام شده، هزینه و ضایعات، حذف فعالیت‌های فاقد ارزش افزوده و بهبود فرایندهای تولیدی
۴	(۸-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به تحقیق و توسعه، بهبود کیفی محصول، طراحی محصولات جدید و توسعه سرمایه‌گذاری‌ها و کسب‌وکارهای جدید
۸	(۹-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به حفظ و توسعه روابط با مشتریان و عرضه‌کنندگان در کل زنجیره ارزش در سطح بازارهای داخلی و بین‌المللی، افزایش سهم بازار و توسعه تجارت الکترونیک
۲	(۱۰-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به تأمین مالی، مدیریت اثربخش نقدینگی و سرمایه در گردش

۵	(۱۱-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به مدیریت سرمایه‌گذاری‌ها و ترکیب پرتفوی سرمایه‌گذاری مناسب من جمله ادغام، واگذاری و انحلال شرکت‌های تابعه
---	(۱۲-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به افزایش رضایت، انگیزه و عملکرد نیروی انسانی و توانمندسازی و توسعه شایستگی‌های آن‌ها
۱۴	(۱۳-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به ارتقاء نظام راهبری شرکتی در راستای افزایش پاسخگویی، شفافیت و بهبود کنترل‌های داخلی و مدیریت ریسک
۱۳	(۱۴-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به مقابله با تحریم‌های بین‌المللی
۶	(۱۵-۲) اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به پذیرش (عرضه اولیه) شرکت‌های زیر مجموعه در بورس اوراق بهادار یا فرابورس (در صورت وجود)
رتبه	۳- منابع و روابط
۱۴	(۱-۳) اطلاعات مربوط به ماهیت منابع و روابط شرکت مثل مروری بر آن‌ها، تجزیه و تحلیل‌های مرتبط با آن‌ها، نقش آن‌ها در الگوی کسب و کار و هرگونه تغییرات در آن‌ها
۱۳	(۲-۳) اطلاعات مرتبط با نحوه دسترسی شرکت به منابع و نحوه حفظ روابط
۹	(۳-۳) اطلاعات مربوط به چشم‌انداز آینده دسترسی به منابع و حفظ روابط و هرگونه تغییرات آن‌ها
۱۱	(۴-۳) اطلاعات مربوط به عواملی که می‌توانند بر دسترسی و کیفیت منابع و روابط در آینده تأثیر گذارند، مثل هرگونه محدودیت، عدم اطمینان، شرایط قراردادی، تغییر قوانین، تغییرات زیست محیطی و اجتماعی و اثرات تحریم‌ها
۳	(۵-۳) اطلاعات مربوط به منابع مالی (نقد و غیر نقد)، تسهیلات و اعتبارات (جذب شده یا جذب نشده) و منابع مورد انتظار حاصل از انتشار سهام، اوراق مشارکت و غیره
۲	(۶-۳) اطلاعات مربوط به منابع زمین، ساختمان، تجهیزات و سایر دارایی‌ها
۸	(۷-۳) اطلاعات مربوط به منابع آب، برق و گاز مورد نیاز فعالیت سیستم‌ها و دستگاه‌های تولیدی و غیرتولیدی شرکت
---	(۸-۳) اطلاعات مربوط به منابع انسانی (مثل اطلاعات استخدام، حقوق و مزایا، وظایف شغلی، برنامه‌های آموزش، توسعه منابع، بهره‌وری، ارتباطات و کار گروهی)
۱	(۹-۳) اطلاعات مربوط به موجودی‌ها و مواد اولیه شرکت
۴	(۱۰-۳) اطلاعات مربوط به منابع حاصل از تأمین مالی خارج از ترازنامه (مانند اجاره‌های عملیاتی)
۵	(۱۱-۳) اطلاعات مربوط به روابط استراتژیک شرکت با عرضه‌کنندگان اصلی کالا و خدمات در زنجیره ارزش تولید محصولات (ارائه خدمات) مختلف
۶	(۱۲-۳) اطلاعات مربوط به روابط استراتژیک شرکت با مشتریان اصلی و شبکه‌های توزیع و فروش در زنجیره ارزش تولید محصولات (ارائه خدمات) مختلف
۷	(۱۳-۳) اطلاعات مربوط به روابط شرکت با سرمایه‌گذاران و بستانکاران
۱۵	(۱۴-۳) اطلاعات مربوط به روابط شرکت با دیگر ذی‌نفعان (کارکنان، رقبای، ادارات دولتی، صنوف و اتحادیه‌ها، جامعه)
۱۲	(۱۵-۳) اطلاعات مربوط به منابع نامشهود شرکت و تشریح اثرات آن‌ها در ایجاد ارزش و جریان‌های نقد آتی (مثل داشتن حقوق انحصاری نسبت به یک دارایی خاص، سرمایه فکری و برند شرکت)
۱۰	(۱۶-۳) اطلاعات مربوط به روابط نامشهود شرکت و تشریح اثرات آن‌ها در ایجاد ارزش و جریان‌های نقد آتی (مثل داشتن روابط با یک توزیع کننده خاص، دارا بودن قراردادهای خاص انتقال فناوری و غیره)

رتبه	۴- ریسک‌ها و مدیریت ریسک
۲	(۱-۴) اطلاعات مربوط به ماهیت ریسک‌هایی که شرکت در معرض آن است از قبیل منبع ریسک، عوامل، شرایط و حوادث ایجاد کننده آن و همچنین اثرات بالقوه این ریسک‌ها
۷	(۲-۴) اطلاعات مناسب برای ارزیابی مقیاس، احتمال و زمان اختلال بالقوه در توانایی شرکت برای ایجاد ارزش و تولید جریان‌های نقدی در نتیجه این ریسک‌ها
۱۰	(۳-۴) اطلاعات مربوط به چگونگی نظارت و مدیریت ریسک در شرکت از قبیل شرح فرایندها و کنترل‌های داخلی و اقدامات انجام شده یا برنامه ریزی شده برای کنترل و کاهش احتمال وقوع این ریسک‌ها
۱۳	(۴-۴) اطلاعات مربوط به اقداماتی که شرکت در گذشته در هنگام وقوع ریسک‌ها برای کاهش پیامدهای آن‌ها انجام داده است و همچنین تجزیه و تحلیل اثربخشی این اقدامات
۱۱	(۵-۴) اطلاعات مربوط به اقداماتی که شرکت در صورت وقوع ریسک‌ها در آینده برای کاهش پیامدهای آن‌ها برنامه ریزی کرده است و همچنین پیش بینی اثربخشی آن‌ها
۶	(۶-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های عملیاتی (مانند ریسک‌های مربوط به کارایی و بهبود عملیات، توسعه کسب‌وکار، کیفیت محصول/ خدمات، تامین مواد اولیه، نقص محصول، تامین مالی، کفایت سرمایه، بیمه)
۱	(۷-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های مرتبط با بازار (مانند ریسک رقابت، نرخ ارز، نرخ بهره، ابزارهای مالی، تغییر سیاست‌های پولی، تورم و نوسانات قیمت، صنعت، محیط اقتصاد کلان، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی)
۸	(۸-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های مرتبط با دعاوی حقوقی
---	(۹-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های محیطی و تغییرات اقلیمی (تغییرات آب، هوا و محیط زیست)
۱۴	(۱۰-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های تغییر قوانین و مقررات
۹	(۱۱-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های استراتژیک (مانند ریسک نوآوری، الگوی کسب‌وکار، سرمایه‌گذاری، استراتژی عملیاتی، عرضه کنندگان، سهم بازار و بازاریابی و فروش، ذی‌نفعان مختلف، و ادغام و تحصیل)
---	(۱۲-۴) اطلاعات مربوط به ریسک رفتارهای اخلاقی (پولشویی، کلاهبرداری، اختلاس، فساد)
۱۲	(۱۳-۴) اطلاعات مربوط به ریسک‌های فناوری (امنیت اطلاعات، تغییرات فناوری، شکست فناوری اطلاعات)
۵	(۱۴-۴) اطلاعات مربوط به ریسک تحریم، کنترل‌های صادراتی و موانع تجاری
۳	(۱۵-۴) اطلاعات مربوط به ریسک نقدشوندگی دارایی‌ها (عدم توان شرکت در بازپرداخت بدهی‌ها)
۴	(۱۶-۴) اطلاعات مربوط به ریسک اعتباری (عدم توان مالی بدهکاران در بازپرداخت بدهی شان به شرکت)
---	(۱۷-۴) اطلاعات مربوط به ریسک ناشی از حوادث غیر مترقبه (سیل، زلزله، آتش سوزی)
رتبه	۵- محیط برون سازمانی
۵	(۱-۵) اطلاعات مربوط به محیط برون سازمانی مستقیم و وسیع تر پیرامون شرکت و توضیح درباره عوامل و روندهای موجود در این محیط که بر شرکت تأثیر گذاشته یا می‌تواند تأثیر بگذارد.
۶	(۲-۵) اطلاعات مناسب برای درک نحوه اثرگذاری عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی شرکت بر الگوی کسب‌وکار، استراتژی و اهداف، منابع و روابط و ریسک‌های شرکت
---	(۳-۵) اطلاعات مربوط به نحوه نظارت مدیریت شرکت بر عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی و همچنین نحوه برنامه‌ریزی به‌منظور واکنش نسبت به آن‌ها

---	(۴-۵) اطلاعات مربوط به هرگونه پیشرفت و بهبود در نظارت و برنامه‌ریزی مناسب برای واکنش به عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی
۱	(۵-۵) اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای اقتصادی (مثل جنگ تجاری قدرت‌های اقتصادی، بخشنامه‌های دولتی در زمینه خرید/فروش و قیمت گذاری، فضای رقابتی، نرخ ارز، نرخ بهره، نرخ تورم)
۲	(۶-۵) اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای سیاسی و ژئوپولیتیک (مثل تحریم‌های بین‌المللی، جنگ یا درگیری‌های نظامی، تنش‌های سیاسی)
۴	(۷-۵) اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای اجتماعی و فرهنگی (مثل شیوع اپیدمی و بیماری‌ها، تغییر هنجارهای اجتماعی، تغییر تقاضا و الگوهای مصرف در جامعه)
---	(۸-۵) اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای زیست محیطی (مثل بحران آب، آلودگی هوا، گرمایش زمین)
۳	(۹-۵) اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای تکنولوژیکی (مثل استفاده از روش‌های فروش اینترنتی در صنعت خرده فروشی)
---	(۱۰-۵) اطلاعات مربوط به محیط حقوقی و قوانین و مقررات اثرگذار بر شرکت
رتبه	۶- وضعیت و عملکرد
۲	(۱-۶) مروری بر وضعیت و عملکرد مالی شرکت در دوره گزارشگری و شرح و تحلیل جنبه‌های اصلی آن
۷	(۲-۶) تشریح نتایج اقدامات یا طرح‌هایی که در طول سال مالی برای بهبود وضعیت و عملکرد شرکت انجام شده است.
۱۴	(۳-۶) تشریح و تحلیل اقدامات و طرح‌هایی که در چارچوب اهداف و برنامه‌های مورد نظر شرکت می‌تواند بر وضعیت و عملکرد آینده (منجمله در بلندمدت) تأثیر بگذارد.
۱	(۴-۶) ارائه و تحلیل نسبت‌های مهم مالی (مانند نسبت‌های نقدشوندگی، نسبت‌های سودآوری، نسبت‌های اهرمی، نسبت‌های فعالیت و نسبت‌های بازار) و تحلیل و بررسی روند آن‌ها
۱۰	(۶-۶) ارائه و تشریح شاخص‌های مهم غیر مالی کلیدی عملکرد شرکت (مانند سهم بازار، میزان نوآوری، تحقیق و توسعه، نرخ ضایعات/برگشت محصول، ایمنی کارکنان، میزان فروش، بهره‌وری و...)
۱۸	(۶-۶) تشریح اینکه چگونه مطالب دیگر عناصر محتوایی MC (اطلاعات ۵ قسمت قبل) بر عملکرد وضعیت شرکت در دوره گزارشگری تأثیر گذاشته است.
۳	(۷-۶) اطلاعات مربوط به توانایی شرکت در انجام تعهدات خود (از قبیل تحلیل معیارهای نقدینگی، اقدامات مرتبط با مدیریت نقدینگی، تحلیل ساختار سرمایه، وضعیت تأمین مالی و وضعیت سرمایه در گردش)
۴	(۸-۶) توضیحات و تحلیل‌هایی از تغییرات مهم در وضعیت مالی، نقدینگی و عملکرد شرکت در مقایسه با دوره یا دوره‌های قبل
۱۵	(۹-۶) مقایسه عملکرد شرکت با منابع برون‌سازمانی اطلاعات از قبیل متوسط صنعت، شرکت‌های رقیب و غیره
۸	(۱۰-۶) بیان اطلاعاتی در رابطه با وضعیت و عملکرد شرکت که بیانگر میزان تداوم و پایداری عملکرد (سودها و جریان‌های نقد) آینده شرکت است (مانند سودهای غیر معمول)
۱۷	(۱۱-۶) اطلاعات مربوط به نحوه تخصیص منابع مالی از قبیل تصمیمات تخصیص منابع، بازده واقعی حاصل از تصمیمات تخصیص منابع قبلی
۱۱	(۱۲-۶) وضعیت و اطلاعات مرتبط با پروژه‌های فعلی، در دست اقدام و پروژه‌های آتی شرکت
۶	(۱۳-۶) تشریح وضعیت پرتفوی سرمایه‌گذاری‌های شرکت، تغییرات در پرتفوی و دلایل و تحلیل‌های مرتبط با آن
۵	(۱۴-۶) اطلاعات مربوط به افزایش سرمایه‌های قبلی شرکت و هرگونه پیش‌بینی آتی در خصوص افزایش سرمایه

۹	(۱۵-۶) بیان سیاست‌ها و رویه‌های تقسیم سود به همراه روند مقایسه ای سود هر سهم و سود تقسیم شده و پیش بینی میزان آن در دوره آتی
۱۶	(۱۶-۶) اطلاعات مربوط به قیمت، حجم مبادلات و نقدشوندگی سهام شرکت در دوره گزارشگری
۱۲	(۱۷-۶) اطلاعات مربوط به عملکرد شرکت‌های فرعی و وابسته (در صورت وجود)
---	(۱۸-۶) بیان دستاوردها و افتخارات شرکت
---	(۱۹-۶) اطلاعات مربوط به رعایت جنبه‌های اجتماعی و تشریح اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آینده شرکت
---	(۲۰-۶) اطلاعات مربوط به جنبه‌های زیست محیطی و تشریح اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آینده شرکت
۱۹	(۲۱-۶) پیش بینی‌های کمی و توصیفی مربوط به عملکرد و وضعیت مالی آینده شرکت به همراه بیان مفروضات، روش‌های مورد استفاده، منبع و عدم قطعیت مرتبط با این پیش بینی‌ها
۱۳	(۲۲-۶) اطلاعات مربوط به مقایسه عملکرد مالی و وضعیت مالی شرکت با پیش بینی‌ها، انتظارات یا اهداف قبلی، شامل تحلیل انحراف‌ها، توضیح مرتبط با علت این انحراف‌ها و پیامدهای آن

کریپندروف (۲۰۰۴) اظهار می‌کند که پژوهشگران کیفی معیارهایی غیر از پایایی و روایی را در پذیرش نتایج تحقیق خود بکار می‌گیرند. در این رابطه بسیاری از پژوهشگران (مانند: گوبا^۱، لینکلن^۲، ۱۹۹۵؛ شنتون^۳، ۲۰۰۴؛ سینکوویکس، پنز و گائوری^۴، ۲۰۰۸؛ زانگ و ویلدموث^۵، ۲۰۰۹) چهار معیار ۱. باورپذیری^۶، ۲. انتقال‌پذیری^۷، ۳. قابلیت اطمینان^۸ و ۴. تأییدپذیری^۹ را به عنوان معیارهای مربوط به ارزیابی اعتبار نتایج پژوهش‌های کیفی ارائه کرده‌اند. در این پژوهش نیز به پیروی از این پژوهش‌ها، معیارهای یاد شده به منظور ارزیابی اعتبار نتایج بخش کیفی پژوهش استفاده شد. در ادامه هر یک از این معیارها تعریف می‌شوند.

۱. باورپذیری: این معیار معادل یا جایگزین روایی درونی در پژوهش‌های کمی است (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). این مفهوم به معنی اطمینانی است که می‌توان به صحت یافته‌های تحقیق داشت. در حقیقت باورپذیری مشخص می‌کند که آیا یافته‌های تحقیق نشان دهنده اطلاعات قابل قبولی است که از داده‌های اولیه به دست آمده باشد و همچنین تفسیر درستی از این داده‌ها است (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵).
۲. انتقال‌پذیری: این معیار معادل یا جایگزین روایی بیرونی در پژوهش‌های کمی است (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). این مفهوم به میزانی اشاره دارد که نتایج پژوهش‌های کیفی را بتوان به دیگر زمینه‌ها یا موقعیت‌ها با پاسخ دهندگان متفاوت تعمیم داد. در این شرایط پژوهشگر از طریق توصیف دقیق، قضاوت استفاده‌کنندگان بالقوه را نسبت به قابلیت انتقال نتایج پژوهش تسهیل می‌کند (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). در حقیقت وظیفه پژوهشگر ارائه شاخص قابلیت

1. Guba
2. Lincoln
3. Shenton
4. Sinkovics , Penz & Ghauri
5. Zhang & Wildemuth
6. Credibility
7. Transferability
8. Dependability
9. Conformability

انتقال نیست؛ بلکه او مسئول ارائه مجموعه‌های داده‌ها و توصیف‌هایی است که به اندازه کافی غنی باشند تا سایر پژوهشگران بتوانند در مورد قابلیت انتقال یافته‌ها به دیگر موقعیت‌ها یا زمینه‌های مختلف قضاوت کنند (ژانگ و ویدموث، ۲۰۰۹).

۳. قابلیت اطمینان: این معیار معادل یا جایگزین پایایی در پژوهش‌های کمی است (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). قابلیت اطمینان شامل ارزیابی یافته‌ها، تفسیر و توصیه‌های مطالعه است به گونه‌ای که توسط داده‌های اولیه مطالعه نیز پشتیبانی شود (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). این مفهوم به به ثبات نسبی نتایج در طول زمان اشاره دارد، به عبارت دیگر قابلیت اطمینان در پژوهش‌های کیفی الزاماً به مفهوم رسیدن به نتایج کاملاً مشابه در طول زمان نیست (شتون، ۲۰۰۴)؛ و تنها ثبات نسبی نتایج در طول زمان مدنظر است.

۴. تأییدپذیری: این معیار معادل یا جایگزین عینیت در پژوهش‌های کمی است (گوبا، ۱۹۸۱؛ لینکلن، ۱۹۹۵). تأییدپذیری میزان درجه‌ای است که یافته‌های پژوهش توسط سایر پژوهشگران تأیید شود. این معیار به ارزیابی این موضوع می‌پردازد که یافته‌ها و تفسیر آن‌ها به وضوح از داده‌ها مشتق شده و حاصل تخیلات پژوهشگر نیست (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵). به عبارت دیگر به میزانی اطلاق می‌شود که نتایج پژوهش، حاصل یافته‌های پژوهش و منعکس کننده خصوصیات آشکار و پنهان خلاصه شده در داده‌هاست، نه ترجیحات، پیش فرض‌ها و سوءگیری‌های پژوهشگر. جدول ۴ به تشریح دلایل و اقدامات صورت پذیرفته در این پژوهش به منظور تأمین چهار معیار ارزیابی اعتبار پیش گفته می‌پردازد. در حقیقت همان گونه که بیان شد، در بخش کیفی پژوهش بر خلاف پژوهش‌های کمی که معمولاً روایی و پایایی مورد ارزیابی قرار می‌گیرند، چهار معیار بیان شده نقش اعتباردهی به نتایج پژوهش را برعهده دارند.

جدول ۴. ارزیابی اعتبار بخش کیفی پژوهش

معیار ارزیابی اعتبار	اقدامات صورت گرفته در این پژوهش
باورپذیری	۱. در این پژوهش از روش سه سوسازی ^۱ (لینکلن و گوبا، ۱۹۸۵) استفاده شد. در حقیقت همان گونه که لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) بیان می‌کنند، این روش یکی از ابزارهای کمک به باورپذیر کردن نتایج پژوهش است. از این رو از آنجا که روش سه سوسازی بر به کارگیری روش‌ها یا منابع متعدد تأکید دارد، در این پژوهش از منابع متعدد (مطالعات و یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، دیگر رهنمودها و چارچوب‌های گزارشگری، گزارش‌های مالی و مدیریتی مختلف داخلی و خارجی، پژوهش‌های مختلف داخلی و خارجی) که تقریباً تمامی منابع موجود است، به منظور عمق بخشیدن و افزایش کیفیت نتایج حاصل از تحلیل محتوای کیفی استفاده شد.
	۲. لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) بیان می‌کنند، صرف زمان کافی برای آشنایی با موضوع پژوهش و درگیری طولانی مدت و مستمر با داده‌ها در فرایند تحلیل محتوا و تمرکز و صرف زمان زیاد بر روی بخش‌های دارای اهمیت بیشتر یکی از شیوه‌های افزایش باورپذیری نتایج پژوهش است. در این پژوهش نیز از آنجا که پژوهشگر در طول رساله دکتری یعنی از زمان قبل از تصویب پروپوزال تا مراحل بعدی، زمان بسیار زیادی را در جهت آشنایی با تمام جوانب این موضوع پژوهشی، بررسی کلیه منابع موجود و همچنین فرایند تحلیل محتوا و تأکید بر بخش‌ها و منابع دارای اهمیت بیشتر صرف نمود، این مهم در جهت باورپذیر کردن نتایج به خوبی تأمین گشت.
	۳. ژانگ و ویدموث (۲۰۰۹) بیان می‌کنند که استفاده از پروتکل کدگذاری، جمع‌آوری و تحلیل داده‌های کیفی و آشنایی مناسب کدگذار با موضوع پژوهش تأثیر مهمی در افزایش باورپذیری نتایج پژوهش دارد. در این پژوهش از مراحل تحلیل محتوای کریپندروف (۲۰۰۴) استفاده شد و در این زمینه پروتکل‌های کدگذاری و ثبت مضامین رعایت گردید؛ از این رو این موضوع نقش مهمی در تأمین باورپذیری نتایج پژوهش دارد.

معیار ارزیابی اعتبار	اقدامات صورت گرفته در این پژوهش
انتقال پذیری	<p>۱. در این پژوهش با صرف وقت و دقت فراوان، از کلیه منابع داخلی و خارجی موجود در تحلیل محتوای کیفی استفاده گشت و به‌ویژه بر مطالعات بین‌المللی بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز توجه خاصی شد؛ از این رو با توجه به اینکه منابع مختلف بر مبنای پژوهش‌ها و گزارش‌های مالی و مدیریتی کشورهای مختلف بوده و همچنین مطالعات بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی نیز به‌صورت بین‌المللی و در طول چندین سال است که در جریان می‌باشد، از این رو نتایج این پژوهش در قالب مصادیق افشا به راحتی قابلیت تعمیم به دیگر جوامع و کشورها را دارا است. این مسئله به‌ویژه از این جنبه که مسائل مرتبط با حسابداری و مالی به‌ویژه در زمینه بازارهای سرمایه تقریباً از علوم و استانداردهای یکسانی در دنیا پیروی می‌کنند، روشن‌تر می‌شود.</p> <p>۲. به اعتقاد ژانگ و ویدموث (۲۰۰۹) یافته‌ها و نتایج پژوهش باید به اندازه کافی غنی باشند تا استفاده‌کنندگان را نسبت به تعمیم‌پذیری و قابلیت انتقال نتایج پژوهش قانع کنند. این پژوهش از آنجا که در قالب رساله دکتری و با توصیف دقیق مراحل کار، استفاده از منابع بسیار متعدد بین‌المللی و زمان بسیار زیادی انجام شد و تمامی تلاش به عمل آمد تا یافته‌ها از غنای لازم برخوردار باشند، از این رو به نظر می‌رسد که خوانندگان به راحتی نسبت به انتقال پذیر بودن نتایج نهایی پژوهش (به عنوان نمونه به دیگر جوامع) که در قالب مجموعه کاملی از مصادیق افشای الگوی گزارش تفسیری مدیریت ارائه می‌گردد، متقاعد گردند.</p>
قابلیت اطمینان	<p>۱. به اعتقاد شنتون (۲۰۰۴) و سینیکوویکس و همکاران، (۲۰۰۸) توجه به داشتن روش واحد از ابتدا تا انتهای تحلیل محتوا، استفاده از پروتکل کدگذاری و به‌کارگیری مراحل فرموله شده جستجو، کدگذاری، ساماندهی و مدل‌سازی موجب تأمین قابلیت اطمینان یعنی ثبات نسبی نتایج پژوهش در طول زمان می‌گردد. در این پژوهش از آنجا که مراحل انجام تحلیل محتوا مبتنی بر روش ارائه شده توسط کریپندروف (۲۰۰۴) بوده و در این زمینه نمونه‌گیری به شیوه مناسب انجام شده و پروتکل‌های مربوطه در جهت ثبت، تقلیل و استنباط داده‌ها و ارائه یافته‌ها به خوبی و به شیوه نظام‌مند رعایت گردید، از این رو این موضوع به قابلیت اطمینان نتایج پژوهش کمک می‌کند.</p> <p>۲. شنتون (۲۰۰۴) ثبت دقیق مراحل انجام تحلیل محتوا و شیوه ترکیب، تلفیق و تلخیص داده‌ها را شیوه‌ای مناسب در جهت افزایش قابلیت اطمینان نتایج بر می‌شمرد. از آنجا که در این پژوهش، ثبت موارد یاد شده در شیوه تحلیل محتوای کیفی به خوبی رعایت گردید، می‌توان به قابلیت اطمینان نتایج پژوهش از این جنبه اطمینان داشت.</p> <p>۳. از آنجا که هدف از بررسی قابلیت اطمینان، اطمینان از ثبات نسبی نتایج در طول زمان است، در جهت بررسی بهتر این موضوع، نمونه‌ای از اسناد و مدرکی که در فرایند تحلیل محتوا مورد استفاده قرار گرفتند، بعد از گذشت ۳ ماه مجدداً توسط پژوهشگر در فرایند تحلیل محتوا شرکت داده شدند. این بررسی نشان داد که تعداد مضامین شناسایی شده در تحلیل محتوای دوم به میزان ۱۸۴ مورد بوده که در مقایسه با تحلیل محتوای اول که به میزان ۱۷۹ مورد بود، تفاوت آن‌ها از نظر تعداد، ۵ مورد است. همچنین از نظر میزان توافق در شناسایی همان مضامین، این تفاوت شامل ۸ مورد بود؛ به عبارت دیگر ۱۷۶ مضمون شناسایی شده در مرحله اول، در مرحله دوم نیز شناسایی شدند. این بررسی نشان داد که نتایج تحلیل محتوای اول و دوم اختلاف بسیار جزئی داشته، به گونه‌ای که در نتایج نهایی پژوهش تفاوتی ایجاد نمی‌کند.</p>
تأییدپذیری	<p>۱. به اعتقاد لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) در جهت اطمینان از تأییدپذیری نتایج پژوهش، نیاز به بررسی انسجام درونی از طریق حسابرسی و بازبینی فرایند انجام پژوهش تا دستیابی به نتایج نهایی است. بر این اساس کل فرایند تحلیل محتوا از ثبت داده‌های اولیه، تقلیل، استنباط و نتایج نهایی پژوهش توسط پژوهشگر مورد حسابرسی و بازبینی مجدد قرار گرفت و از این رو در زمینه تأییدپذیری نتایج اطمینان کافی حاصل شد.</p> <p>۲. تأییدپذیری میزان درجه‌ای است که یافته‌های پژوهش توسط سایر پژوهشگران تأیید شود و در حقیقت همان گونه که لینکلن و گوبا (۱۹۸۵) بیان می‌کنند این معیار جهت اطمینان از این موضوع است که یافته‌ها و تفسیر آن‌ها به وضوح از داده‌ها مشتق شده و حاصل تخیلات پژوهشگر نیست. در جهت اطمینان بهتر از این موضوع، از کمک یک نفر دانش‌آموخته دکتری مدیریت مالی به عنوان همکار پژوهشی استفاده شد. از این رو اسناد مطالعاتی، پژوهش‌ها و گزارش‌های مدیریتی که در فرایند تحلیل محتوا قبلاً مورد استفاده قرار گرفتند و همچنین مستندات انجام تحلیل محتوا در اختیار ایشان قرار گرفت و ضمن توجه کامل ایشان نسبت به موضوع پژوهش از ایشان خواسته شد تا شیوه و نتایج تحلیل محتوای انجام شده توسط پژوهشگر شامل ثبت، تقلیل و استنباط داده‌ها به‌صورت نمونه‌ای مورد بازبینی و ارزیابی ایشان قرار گیرد. نتایج بررسی و ارزیابی همکار پژوهشی از نمونه‌ای از ۱۶۷ مضمون شناسایی شده توسط پژوهشگر در فرایند تحلیل محتوا نشان داد که ایشان به جز در ۷ مورد اختلاف نظر در زمینه نوع مضمون برداشت شده از متون، در بقیه موارد با پژوهشگر اتفاق نظر داشته و فرایند تقلیل و استنباط داده‌های نهایی نیز مورد تأیید ایشان است. از این رو این موضوع نشان می‌دهد که موارد اختلاف نظر ایشان بسیار جزئی و کمتر از ۵ درصد است، که این موضوع تأییدپذیری نتایج پژوهش را به نحو مناسبی نشان می‌دهد.</p>

روش اجرا و یافته‌های بخش کمی پژوهش

در بخش کمی پژوهش، از شیوه پیمایشی و ابزار پرسش‌نامه به‌منظور جمع‌آوری داده‌ها استفاده شد. از این‌رو از پرسش‌نامه محقق ساخته بر مبنای مصادیق افشای شناسایی شده در مرحله تحلیل محتوای کیفی استفاده به عمل آمد. میزان روایی پرسش‌نامه پژوهش از دو طریق روایی محتوای و روایی سازه مورد بررسی قرار گرفت. به‌منظور بررسی روایی محتوا، نظر متخصصان و همچنین استادان راهنما و مشاور در مورد هر یک از گویه‌های پرسش‌نامه دریافت و پیشنهادهای اصلاحی مناسب اعمال گردیدند. همچنین روایی سازه با بررسی روایی هم‌گرا و واگرا مورد تأیید قرار گرفت که نتایج آن‌ها در جدول ۱۰ ارائه شده است. افزون بر این، برای بررسی میزان پایایی پرسش‌نامه از روش آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی استفاده شد که نتایج آن‌ها نیز در جدول ۱۰ ارائه شده است.

جامعه آماری در بخش کمی پژوهش، کلیه استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی یعنی سرمایه‌گذاران و بستانکاران حقیقی و حقوقی هستند. استفاده از این جامعه آماری به این دلیل است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران به عنوان استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی در بهترین موقعیت به‌منظور تعیین مصادیق افشای MC قرار دارند. سرمایه‌گذاران شامل سرمایه‌گذاران انفرادی و کارشناسان سرمایه‌گذاری مشغول در شرکت‌های سرمایه‌گذاری، صندوق‌های سرمایه‌گذاری، شرکت‌های سب‌گردان و کارگزاری‌ها هستند. همچنین بستانکاران، اعتباردهندگان به شرکت‌ها بوده که در این پژوهش از نظرات کارشناسان اعتبارات اداره مرکزی بانک‌ها که با گزارش‌های مدیریتی آشنایی داشته و در تأمین مالی شرکت‌ها دخیل هستند، استفاده شده است. از آنجا که تعیین تعداد دقیق این جامعه آماری مشکل است، با فرض داشتن جامعه آماری نامحدود و با سطح خطای هفت درصد^۱، طبق فرمول کوکران تعداد ۱۹۶ نمونه مورد نیاز است. از این‌رو، از آنجا که استفاده از شیوه نمونه‌گیری تصادفی امکان‌پذیر نبود، از روش نمونه‌گیری در دسترس^۲ (نیومن، ۲۰۱۴) استفاده شد. بر این اساس تعداد ۳۰۵ پرسش‌نامه آنلاین و ۲۰۸ پرسش‌نامه کتبی (به عنوان حداکثر تعداد پرسش‌نامه قابل توزیع) در بین جامعه آماری یعنی سرمایه‌گذاران و بستانکارانی حقیقی و حقوقی که امکان دسترسی به آن‌ها وجود داشته و در زمینه پژوهش حاضر به همکاری بودند، توزیع گردید. در نهایت با پیگیری‌های زیادی که به عمل آمد، تعداد ۱۱۱ پرسش‌نامه آنلاین و تعداد ۱۳۱ پرسش‌نامه کتبی جمع‌آوری شد؛ که پس از حذف هفت عدد پرسش‌نامه کتبی مخدوش، در مجموع تعداد ۲۳۵ پرسش‌نامه برای استفاده در پژوهش مناسب تشخیص داده شد؛ که این تعداد از تعداد نمونه موردنیاز در سطح خطای هفت درصد بیشتر است.

به‌منظور تجزیه و تحلیل بخش کمی پژوهش از نرم‌افزارها اس‌پی‌اس‌اس نسخه ۲۶ و اسمارت پی‌ال‌اس نسخه ۳ استفاده شد. از این‌رو ابتدا آمار توصیفی مرتبط با هر یک از متغیرهای پژوهش و فراوانی متغیرهای جمعیت شناختی ارائه می‌شود. سپس در بخش آمار استنباطی، به‌منظور آزمون نرمال بودن یا غیرنرمال بودن داده‌ها از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده می‌شود؛ سپس به‌منظور تعیین مصادیق افشای MC، در صورت نرمال بودن داده‌ها از آزمون‌های t

۱. در این پژوهش به دلیل عدم همکاری برخی از جامعه آماری در تکمیل پرسش‌نامه، از سطح خطای هفت درصد به جای پنج درصد در تعیین تعداد نمونه مجاز استفاده شده است.

تک نمونه‌ای و در صورت غیر نرمال بودن از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون (هولاندر، ولف و چیکن^۱، ۲۰۱۴) استفاده می‌شود. افزون بر این هر یک از مصادیق افشای عناصر محتوایی شش گانه، بر مبنای اهمیت نسبی‌شان رتبه‌بندی می‌گردند. در این زمینه با توجه به نرمال یا نرمال نبودن داده‌ها، به ترتیب از هریک از آزمون‌های تجزیه و تحلیل واریانس یا آزمون فریدمن (آلو و یو^۲، ۲۰۱۴) استفاده می‌شود. در نهایت به منظور بررسی مناسب بودن مصادیق افشای نهایی، به عنوان مصادیق افشای هر یک از عناصر محتوایی MC و ارزیابی الگوی پژوهش، از فن تحلیل عامل تأییدی بر مبنای مدل‌سازی معادلات ساختاری حداقل مربعات جزئی^۳ استفاده می‌گردد.

یافته‌های بخش کمی

آمار توصیفی

جدول ۵ آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی را نشان می‌دهد. بر اساس داده‌های مندرج در این جدول از بین ۲۳۵ نفر شرکت کننده، ۱۷۶ نفر را مردان و ۵۹ نفر را زنان تشکیل می‌دهند. همچنین از این تعداد، ۱۹۷ نفر در نقش سرمایه‌گذار و ۳۸ نفر در نقش بستانکار مشارکت داشتند. افزون بر این، ۱۰۲ نفر دارای نقش حقیقی و ۱۳۳ نفر دارای نقش حقوقی هستند. از نظر تحصیلات، ۶۸ نفر دارای مدرک دکتری، ۱۳۲ نفر کارشناسی ارشد، ۳۴ نفر کارشناسی و ۱ نفر کاردانی یا دیپلم هستند. همچنین از نظر مدرک تحصیلی، ۱۱۱ نفر دارای مدرک حسابداری، ۷۷ نفر مدیریت، ۱۷ نفر اقتصاد و ۳۰ نفر سایر رشته‌ها هستند. از این‌رو همان‌گونه که ویژگی جمعیت شناختی نشان می‌دهد، پاسخ دهندگان از شایستگی و صلاحیت کافی به منظور مشارکت در این پژوهش برخوردار هستند.

جدول ۵. آمار توصیفی متغیرهای جمعیت شناختی

ویژگی‌های جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی	ویژگی‌های جمعیت شناختی	فراوانی	درصد فراوانی
جنسیت	مرد	۱۷۶	تحصیلات	دکتری	۶۸
	زن	۵۹		کارشناسی ارشد	۱۳۲
نقش	سرمایه‌گذار	۱۹۷	رشته تحصیلی	کارشناسی	۳۴
	بستانکار	۳۸		کاردانی یا کمتر	۱
ماهیت	حقیقی	۱۰۲	جمع	حسابداری	۱۱۱
	حقوقی	۱۳۳		مدیریت	۷۷
تحصیلات	دکتری	۶۸		اقتصاد	۱۷
	کارشناسی ارشد	۱۳۲		سایر	۳۰
		۲۳۵			۱۰۰

1. Hollander, Wolfe & Chicken

2. Alvo & YU

3. Partial Least Square-Structural Equation Modeling (PLS-SEM)

همچنین ۶ آمار توصیفی متغیرهای پژوهش شامل میانگین، انحراف معیار، حداقل و حداکثر، چولگی و کشیدگی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشخص است جهت اختصار، از بیان هر یک از مصادیق افشا در این جدول خودداری و به عنوان جایگزین، شماره آن‌ها بر مبنای اطلاعات جدول ۳ درج گردیده است. طبق اطلاعات مندرج در این جدول، هیچ یک از مصادیق دارای میانگین بیشتر از ۴ و کمتر از ۳ نیست، به‌گونه‌ای که مصداق افشای ۴-۶ (اطلاعات مربوط به ریسک‌های عملیاتی) دارای بیشترین میانگین (۴) و مصداق افشای ۴-۱۷ (اطلاعات مربوط به ریسک ناشی از حوادث غیر مترقبه) دارای کمترین میانگین (۳) است. همچنین مصداق افشای ۱-۸ (اطلاعات مهم در مورد اثرات مثبت و منفی زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های شرکت) دارای بیشترین انحراف معیار (۱/۲۸) و مصداق افشای ۶-۷ (اطلاعات مربوط به توانایی شرکت در انجام تعهدات خود) دارای کمترین انحراف معیار (۰/۹۸) است.

در خصوص چولگی، همه مصادیق افشا دارای چولگی منفی بوده که این موضوع به دلیل این است که در همه موارد میانگین آن‌ها بیشتر از ۳ است. از نظر کشیدگی نیز به استثنای مصداق افشای ۴-۱ که دارای ضریب کشیدگی صفر است، بقیه مصادیق افشا دارای کشیدگی منفی یا به عبارت دیگر کشیدگی کمتر از توزیع نرمال هستند. این وضعیت با نتایج جدول ۷ مبنی بر غیرنرمال بودن داده‌ها هم‌خوانی دارد.

جدول ۶. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

کشیدگی	چولگی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	مصادیق افشا	کشیدگی	چولگی	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	میانگین	مصادیق افشا
-۰/۶۴	-۰/۵۲	۵	۱	۱/۲۲	۳/۵۱	۶-۴	-۰/۵۳	-۰/۵۱	۵	۱	۱/۱۴	۳/۶۰	۱-۱
-۰/۰۵	-۰/۷۸	۵	۱	۱/۱۵	۳/۷۹	۷-۴	-۰/۳۲	-۰/۴۹	۵	۱	۰/۹۹	۳/۷۷	۲-۱
-۰/۷۳	-۰/۳۱	۵	۱	۱/۱۶	۳/۴۳	۸-۴	-۰/۸۰	-۰/۵۱	۵	۱	۱/۲۰	۳/۷۳	۳-۱
-۰/۹۷	-۰/۰۶	۵	۱	۱/۲۴	۳/۰۵	۹-۴	-۰/۴۷	-۰/۵۸	۵	۱	۱/۱۸	۳/۶۶	۴-۱
-۰/۸۱	-۰/۱۵	۵	۱	۱/۲۰	۳/۲۶	۱۰-۴	-۰/۶۷	-۰/۰۵	۵	۱	۱/۱۳	۳/۱۱	۵-۱
-۰/۸۹	-۰/۳۱	۵	۱	۱/۲۴	۳/۴۱	۱۱-۴	-۰/۳۳	-۰/۶۶	۵	۱	۱/۰۱	۳/۹۱	۶-۱
-۰/۹۲	-۰/۱۸	۵	۱	۱/۲۶	۳/۱۷	۱۲-۴	-۰/۶۶	-۰/۳۶	۵	۱	۱/۱۷	۳/۴۵	۷-۱
-۰/۸۰	-۰/۲۴	۵	۱	۱/۲۳	۳/۲۷	۱۳-۴	-۱/۰۱	-۰/۰۶	۵	۱	۱/۲۸	۳/۰۹	۸-۱
-۰/۶۲	-۰/۵۴	۵	۱	۱/۲۳	۳/۵۳	۱۴-۴	-۰/۶۳	-۰/۲۵	۵	۱	۱/۱۲	۳/۴۰	۱-۲
-۰/۴۶	-۰/۶۴	۵	۱	۱/۱۹	۳/۶۴	۱۵-۴	-۰/۴۶	-۰/۴۱	۵	۱	۱/۰۹	۳/۴۰	۲-۲
-۰/۷۱	-۰/۵۹	۵	۱	۱/۳۰	۳/۵۹	۱۶-۴	-۰/۳۶	-۰/۲۲	۵	۱	۱/۰۲	۳/۴۸	۳-۲
-۰/۹۱	۰/۰۳	۵	۱	۱/۲۴	۳/۰۰	۱۷-۴	-۰/۵۴	-۰/۵۵	۵	۱	۱/۱۷	۳/۶۲	۴-۲
-۰/۶۵	-۰/۱۷	۵	۱	۱/۱۴	۳/۲۳	۱-۵	-۰/۷۵	-۰/۳۸	۵	۱	۱/۱۵	۳/۵۸	۵-۲
-۰/۵۷	-۰/۱۵	۵	۱	۱/۱۲	۳/۲۶	۲-۵	-۰/۴۷	-۰/۲۹	۵	۱	۱/۱۱	۳/۴۱	۶-۲
-۰/۴۹	-۰/۱۳	۵	۱	۱/۱۱	۳/۱۲	۳-۵	-۰/۳۸	-۰/۶۱	۵	۱	۱/۱۱	۳/۷۷	۷-۲

مصادیق افشا	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی	مصادیق افشا	میانگین	انحراف معیار	حداقل	حداکثر	چولگی	کشیدگی
۸-۲	۳/۶۲	۱/۱۸	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۵۱	۴-۵	۳/۱۳	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۷۲
۹-۲	۳/۵۲	۱/۱۹	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۴۸	۵-۵	۳/۴۱	۱/۱۹	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۸۱
۱۰-۲	۳/۶۸	۱/۱۲	۱	۵	-۰/۶۱	-۰/۳۶	۶-۵	۳/۳۴	۱/۲۲	۱	۵	-۰/۶۱	-۰/۷۸
۱۱-۲	۳/۶۳	۱/۱۶	۱	۵	-۰/۶۶	-۰/۲۴	۷-۵	۳/۲۳	۱/۲۱	۱	۵	-۰/۶۶	-۰/۷۶
۱۲-۲	۳/۱۳	۱/۱۴	۱	۵	-۰/۱۶	-۰/۶۱	۸-۵	۳/۰۶	۱/۲۵	۱	۵	-۰/۱۶	-۱/۰۰
۱۳-۲	۳/۲۳	۱/۱۹	۱	۵	-۰/۱۱	-۰/۸۹	۹-۵	۳/۳۱	۱/۲۶	۱	۵	-۰/۱۱	-۰/۸۰
۱۴-۲	۳/۳۴	۱/۲۴	۱	۵	-۰/۴۲	-۰/۶۶	۱۰-۵	۳/۱۶	۱/۲۲	۱	۵	-۰/۴۲	-۰/۸۱
۱۵-۲	۳/۵۸	۱/۱۴	۱	۵	-۰/۵۴	-۰/۳۶	۱-۶	۳/۹۱	۱/۰۵	۱	۵	-۰/۵۴	-۰/۰۴
۱-۳	۳/۳۳	۱/۰۷	۱	۵	-۰/۱۸	-۰/۵۴	۲-۶	۳/۷۸	۱/۰۶	۱	۵	-۰/۱۸	-۰/۳۳
۲-۳	۳/۳۵	۱/۰۷	۱	۵	-۰/۲۴	-۰/۴۲	۳-۶	۳/۶۶	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۲۴	-۰/۶۸
۳-۳	۳/۴۶	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۳۸	-۰/۵۵	۴-۶	۴/۰۰	۱/۰۲	۱	۵	-۰/۳۸	-۰/۱۱
۴-۳	۳/۳۸	۱/۱۵	۱	۵	-۰/۳۶	-۰/۶۴	۵-۶	۳/۷۴	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۳۶	-۰/۵۰
۵-۳	۳/۷۴	۱/۱۰	۱	۵	-۰/۵۱	-۰/۴۹	۶-۶	۳/۵۷	۱/۰۲	۱	۵	-۰/۵۱	-۰/۶۹
۶-۳	۳/۸۳	۱/۰۲	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۳۰	۷-۶	۳/۸۴	۰/۹۸	۱	۵	-۰/۵۷	-۰/۴۰
۷-۳	۳/۴۷	۱/۲۰	۱	۵	-۰/۳۷	-۰/۶۹	۸-۶	۳/۸۳	۱/۰۳	۱	۵	-۰/۳۷	-۰/۳۱
۸-۳	۳/۰۶	۱/۱۸	۱	۵	-۰/۰۹	-۰/۷۸	۹-۶	۳/۶۶	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۰۹	-۰/۳۸
۹-۳	۳/۸۶	۱/۰۳	۱	۵	-۰/۵۰	-۰/۵۵	۱۰-۶	۳/۷۴	۱/۱۷	۱	۵	-۰/۵۰	-۰/۶۲
۱۰-۳	۳/۶۴	۱/۱۵	۱	۵	-۰/۳۵	-۰/۸۴	۱۱-۶	۳/۵۷	۱/۱۰	۱	۵	-۰/۳۵	-۰/۷۲
۱۱-۳	۳/۶۱	۱/۱۰	۱	۵	-۰/۴۰	-۰/۶۵	۱۲-۶	۳/۷۰	۱/۱۰	۱	۵	-۰/۴۰	-۰/۲۲
۱۲-۳	۳/۵۹	۱/۱۲	۱	۵	-۰/۴۹	-۰/۳۹	۱۳-۶	۳/۸۳	۱/۰۸	۱	۵	-۰/۴۹	-۰/۲۰
۱۳-۳	۳/۵۳	۱/۰۸	۱	۵	-۰/۳۹	-۰/۴۷	۱۴-۶	۳/۸۴	۱/۰۹	۱	۵	-۰/۳۹	-۰/۱۴
۱۴-۳	۳/۳۰	۱/۱۵	۱	۵	-۰/۳۱	-۰/۶۱	۱۵-۶	۳/۸۰	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۳۱	-۰/۵۰
۱۵-۳	۳/۴۰	۱/۱۵	۱	۵	-۰/۳۱	-۰/۶۲	۱۶-۶	۳/۶۱	۱/۰۹	۱	۵	-۰/۳۱	-۰/۴۲
۱۶-۳	۳/۴۳	۱/۱۴	۱	۵	-۰/۴۰	-۰/۴۱	۱۷-۶	۳/۶۶	۱/۱۵	۱	۵	-۰/۴۰	-۰/۷۷
۱-۴	۳/۷۶	۱/۱۰	۱	۵	-۰/۷۶	-۰/۰۰	۱۸-۶	۳/۱۶	۱/۲۵	۱	۵	-۰/۷۶	-۰/۸۰
۲-۴	۳/۴۹	۱/۰۷	۱	۵	-۰/۴۶	-۰/۲۲	۱۹-۶	۳/۰۹	۱/۲۲	۱	۵	-۰/۴۶	-۰/۸۸
۳-۴	۳/۴۶	۱/۱۶	۱	۵	-۰/۴۱	-۰/۶۰	۲۰-۶	۳/۰۶	۱/۲۴	۱	۵	-۰/۴۱	-۰/۹۱
۴-۴	۳/۳۲	۱/۱۳	۱	۵	-۰/۳۴	-۰/۴۹	۲۱-۶	۳/۵۴	۱/۱۴	۱	۵	-۰/۳۴	-۰/۸۹
۵-۴	۳/۳۵	۱/۱۸	۱	۵	-۰/۳۷	-۰/۶۹	۲۲-۶	۳/۶۳	۱/۱۷	۱	۵	-۰/۳۷	-۰/۵۹

آمار استنباطی

به‌منظور تعیین نرمال یا غیرنرمال بودن داده‌های پژوهش از آزمون کولموگروف - اسمیرنوف استفاده شد. جدول ۷ نتایج مربوط به این آزمون را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول مشخص است، کلیه داده‌های مرتبط با هر یک از مصادیق افشا دارای معناداری کمتر از ۰/۰۰۱ هستند، از این رو می‌توان نتیجه گرفت که کلیه داده‌ها دارای توزیع غیرنرمال می‌باشند. بنابراین به‌منظور آزمون کلیه متغیرهای پژوهش و شناسایی مصادیق افشای مناسب از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون، و به‌منظور رتبه بندی آن‌ها از نظر اهمیت از آزمون فریدمن استفاده شد.

جدول ۷. نتایج آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

مصادیق افشا	استاندارد	آماره	سطح معناداری	مصادیق افشا	استاندارد	آماره	سطح معناداری	مصادیق افشا	استاندارد	آماره	سطح معناداری
۱-۱	۰/۲۱۵	۰/۰۰۰	۱۵-۲	۰/۲۰۰	۰/۰۰۰	۶-۴	۰/۲۱۲	۰/۰۰۰	۰/۲۴۹	۰/۰۰۰	۱-۶
۲-۱	۰/۲۲۱	۰/۰۰۰	۱-۳	۰/۱۸۱	۰/۰۰۰	۷-۴	۰/۲۱۲	۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۲-۶
۳-۱	۰/۲۱۷	۰/۰۰۰	۲-۳	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۸-۴	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	۳-۶
۴-۱	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۳-۳	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۹-۴	۰/۱۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۳۶	۰/۰۰۰	۴-۶
۵-۱	۰/۱۷۹	۰/۰۰۰	۴-۳	۰/۲۰۲	۰/۰۰۰	۱۰-۴	۰/۱۶۸	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۵-۶
۶-۱	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۵-۳	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۱۱-۴	۰/۱۷۵	۰/۰۰۰	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۶-۶
۷-۱	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۶-۳	۰/۲۰۳	۰/۰۰۰	۱۲-۴	۰/۱۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۰۸	۰/۰۰۰	۷-۶
۸-۱	۰/۱۵۰	۰/۰۰۰	۷-۳	۰/۱۶۸	۰/۰۰۰	۱۳-۴	۰/۱۶۲	۰/۰۰۰	۰/۲۱۰	۰/۰۰۰	۸-۶
۱-۲	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۸-۳	۰/۱۶۸	۰/۰۰۰	۱۴-۴	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰	۰/۲۱۶	۰/۰۰۰	۹-۶
۲-۲	۰/۲۱۹	۰/۰۰۰	۹-۳	۰/۲۱۳	۰/۰۰۰	۱۵-۴	۰/۲۳۰	۰/۰۰۰	۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۱۰-۶
۳-۲	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۰-۳	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۱۶-۴	۰/۱۹۳	۰/۰۰۰	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۱۱-۶
۴-۲	۰/۲۰۹	۰/۰۰۰	۱۱-۳	۰/۱۹۸	۰/۰۰۰	۱۷-۴	۰/۱۶۱	۰/۰۰۰	۰/۲۱۱	۰/۰۰۰	۱۲-۶
۵-۲	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۱۲-۳	۰/۱۹۲	۰/۰۰۰	۱-۵	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۰/۲۰۷	۰/۰۰۰	۱۳-۶
۶-۲	۰/۱۸۴	۰/۰۰۰	۱۳-۳	۰/۲۰۵	۰/۰۰۰	۲-۵	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۴-۶
۷-۲	۰/۱۹۹	۰/۰۰۰	۱۴-۳	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۳-۵	۰/۲۰۱	۰/۰۰۰	۰/۲۰۴	۰/۰۰۰	۱۵-۶
۸-۲	۰/۲۱۲	۰/۰۰۰	۱۵-۳	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۴-۵	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۱۶-۶
۹-۲	۰/۲۲۲	۰/۰۰۰	۱۶-۳	۰/۱۷۸	۰/۰۰۰	۵-۵	۰/۱۷۰	۰/۰۰۰	۰/۱۸۸	۰/۰۰۰	۱۷-۶
۱۰-۲	۰/۲۲۴	۰/۰۰۰	۱-۴	۰/۲۳۳	۰/۰۰۰	۶-۵	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۱۹۰	۰/۰۰۰	۱۸-۶
۱۱-۲	۰/۲۱۸	۰/۰۰۰	۲-۴	۰/۲۰۷	۰/۰۰۰	۷-۵	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۱۵۵	۰/۰۰۰	۱۹-۶
۱۲-۲	۰/۱۸۷	۰/۰۰۰	۳-۴	۰/۲۰۲	۰/۰۰۰	۸-۵	۰/۱۷۷	۰/۰۰۰	۰/۱۵۶	۰/۰۰۰	۲۰-۶
۱۳-۲	۰/۱۶۳	۰/۰۰۰	۴-۴	۰/۱۸۶	۰/۰۰۰	۹-۵	۰/۱۷۶	۰/۰۰۰	۰/۱۷۱	۰/۰۰۰	۲۱-۶
۱۴-۲	۰/۱۸۲	۰/۰۰۰	۵-۴	۰/۲۰۷	۰/۰۰۰	۱۰-۵	۰/۱۶۷	۰/۰۰۰	۰/۱۷۴	۰/۰۰۰	۲۲-۶

جدول ۸ نتایج مربوط به آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون و فریدمن را در ارتباط با کل مصادیق افشای الگوی MC نشان می‌دهد. در این جدول نیز جهت اختصار از بیان هر یک از مصادیق افشا خودداری و به عنوان جایگزین، شماره آن‌ها بر مبنای اطلاعات جدول ۳ درج گردیده است.

طبق نتایج حاصل از آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون، مصادیق افشای ۱-۵ (نمودار ساختار سازمانی شرکت و تشریح آن)، ۱-۸ (اطلاعات مهم در مورد اثرات مثبت و منفی زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های شرکت)، ۲-۱۲ (اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به افزایش رضایت، انگیزه و عملکرد نیروی انسانی و توانمندسازی و توسعه شایستگی‌های آن‌ها)، ۳-۸ (اطلاعات مربوط به منابع انسانی)، ۴-۹ (اطلاعات مربوط به ریسک‌های محیطی و تغییرات اقلیمی)، ۴-۱۲ (اطلاعات مربوط به ریسک رفتارهای اخلاقی)، ۴-۱۷ (اطلاعات مربوط به ریسک ناشی از حوادث غیر مترقبه)، ۵-۳ (اطلاعات مربوط به نحوه نظارت مدیریت شرکت بر عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی و همچنین نحوه برنامه‌ریزی به‌منظور واکنش نسبت به آن‌ها)، ۵-۴ (اطلاعات مربوط به هرگونه پیشرفت و بهبود در نظارت و برنامه‌ریزی مناسب برای واکنش به عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی)، ۵-۸ (اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای زیست محیطی)، ۵-۱۰ (اطلاعات مربوط به محیط حقوقی و قوانین و مقررات اثرگذار بر شرکت)، ۶-۱۸ (بیان دستاوردها و افتخارات شرکت)، ۶-۱۹ (اطلاعات مربوط به رعایت جنبه‌های اجتماعی و تشریح اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آینده شرکت) و ۶-۲۰ (اطلاعات مربوط به جنبه‌های زیست محیطی و تشریح اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آینده شرکت) به علت عدم معناداری رد می‌شوند، اما سایر مصادیق افشا با توجه به اینکه معنادار بوده و آماره استاندارد آزمون آن‌ها مثبت است، رد نمی‌شوند. همچنین با توجه به رتبه میانگین حاصل از آزمون فریدمن، در مصادیق افشای «الگوی کسب‌وکار»، مصداق افشای ۱-۶ دارای بیشترین اهمیت و ۱-۵ دارای کمترین اهمیت؛ در مصادیق افشای «استراتژی و اهداف»، مصداق افشای ۲-۷ دارای بیشترین اهمیت و ۲-۱۲ دارای کمترین اهمیت؛ در مصادیق افشای «منابع و روابط»، مصداق افشای ۳-۹ دارای بیشترین اهمیت و ۳-۸ دارای کمترین اهمیت؛ در مصادیق افشای «ریسک‌ها و مدیریت ریسک»، مصداق افشای ۴-۷ دارای بیشترین اهمیت و ۴-۱۷ دارای کمترین اهمیت؛ در مصادیق افشای «محیط برون سازمانی»، مصداق افشای ۵-۵ دارای بیشترین اهمیت و ۵-۸ دارای کمترین اهمیت؛ و در مصادیق افشای «وضعیت و عملکرد»، مصداق افشای ۶-۴ دارای بیشترین اهمیت و ۶-۲۰ دارای کمترین اهمیت هستند.

جدول ۸. نتایج آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون و فریدمن

مصادیق افشا	آماره استاندارد	سطح معناداری	نتیجه آزمون	رتبه میانگین (فریدمن)	مصادیق افشا	آماره استاندارد	سطح معناداری	نتیجه آزمون	رتبه میانگین (فریدمن)
۱-۱	۶/۹۷۲	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۶۳	۴-۶	۵/۶۴۶	۰/۰۰۰	عدم رد	۹/۴۹
۲-۱	۹/۱۷۵	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۰۴	۴-۷	۸/۲۱۹	۰/۰۰۰	عدم رد	۱۱/۱۰
۳-۱	۸/۰۳۳	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۹۰	۴-۸	۵/۲۸۸	۰/۰۰۰	عدم رد	۹/۲۳
۴-۱	۷/۲۲۸	۰/۰۰۰	عدم رد	۴/۷۶	۴-۹	۰/۵۲۶	۰/۵۹۹	رد	۷/۱۶
۵-۱	۱/۵۶۹	۰/۱۱۷	رد	۳/۴۷	۴-۱۰	۳/۲۴۷	۰/۰۰۱	عدم رد	۸/۲۷
۶-۱	۱۰/۰۳۷	۰/۰۰۰	عدم رد	۵/۳۵	۴-۱۱	۴/۸۴۲	۰/۰۰۰	عدم رد	۹/۰۶

رتبه میانگین (فریدمن)	نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره استاندارد	مصادیق افشا	رتبه میانگین (فریدمن)	نتیجه آزمون	سطح معناداری	آماره استاندارد	مصادیق افشا
۷/۷۴	رد	۰/۰۵۵	۱/۹۲۲	۱۲-۴	۴/۳۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۳۸۹	۷-۱
۸/۲۰	عدم رد	۰/۰۰۱	۳/۱۸۲	۱۳-۴	۳/۵۱	رد	۰/۳۰۵	۱/۰۲۶	۸-۱
۹/۵۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۷۲۸	۱۴-۴	۷/۷۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۰۵۸	۱-۲
۱۰/۳۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۹۹۶	۱۵-۴	۷/۶۶	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۰۹۷	۲-۲
۹/۹۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۰۵۷	۱۶-۴	۷/۹۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۴۱۰	۳-۲
۶/۹۸	رد	۰/۱۸۹۹	۰/۱۲۷	۱۷-۴	۸/۷۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۹۷۱	۴-۲
۵/۵۶	عدم رد	۰/۰۰۴	۲/۹۱۰	۱-۵	۸/۲۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۹۲۹	۵-۲
۵/۵۹	عدم رد	۰/۰۰۱	۳/۳۶۴	۲-۵	۷/۵۶	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۱۴۶	۶-۲
۵/۱۷	رد	۰/۱۱۱۳	۱/۵۸۵	۳-۵	۹/۱۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۴۹۷	۷-۲
۵/۲۳	رد	۰/۰۹۲	۱/۶۸۳	۴-۵	۸/۵۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۹۰۲	۸-۲
۶/۱۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۹۷۳	۵-۵	۸/۱۵	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۷۵۰	۹-۲
۵/۸۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۳/۸۸۳	۶-۵	۸/۹۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۷۱۷	۱۰-۲
۵/۵۷	عدم رد	۰/۰۰۸	۲/۶۴۴	۷-۵	۸/۴۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۸۵۲	۱۱-۲
۴/۹۸	رد	۰/۵۶۴	۰/۵۷۷	۸-۵	۶/۳۶	رد	۰/۱۱۸	۱/۵۶۳	۱۲-۲
۵/۶۸	عدم رد	۰/۰۰۱	۳/۳۹۲	۹-۵	۶/۸۵	عدم رد	۰/۰۰۴	۲/۹۱۹	۱۳-۲
۵/۳۱	رد	۰/۰۵۳	۱/۹۲۸	۱۰-۵	۷/۳۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۳/۶۸۸	۱۴-۲
۱۳/۱۶	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۷۶۸	۱-۶	۸/۳۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۶۵۴	۱۵-۲
۱۲/۲۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۷۹۶	۲-۶	۷/۶۵	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۴۲۹	۱-۳
۱۱/۵۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۶۱۸	۳-۶	۷/۷۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۶۸۶	۲-۳
۱۴/۰۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۱۰/۴۱۳	۴-۶	۸/۲۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۶۶۷	۳-۳
۱۱/۸۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۲۹۳	۵-۶	۷/۹۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۶۲۹	۴-۳
۱۰/۷۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۴۹۵	۶-۶	۹/۷۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۳۴۴	۵-۳
۱۲/۶۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۷۰۱	۷-۶	۱۰/۰۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۳۹۸	۶-۳
۱۲/۵۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۳۳۳	۸-۶	۸/۳۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۴۲۳	۷-۳
۱۱/۴۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۵۰۳	۹-۶	۶/۶۹	رد	۰/۴۵۵	۰/۷۴۸	۸-۳
۱۲/۰۷	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۱۳۶	۱۰-۶	۱۰/۲۶	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۵۶۵	۹-۳
۱۰/۹۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۰۷۰	۱۱-۶	۹/۲۲	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۵۶۸	۱۰-۳
۱۱/۶۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۹۲۳	۱۲-۶	۹/۱۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۳۷۵	۱۱-۳
۱۲/۶۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۰۴۸	۱۳-۶	۸/۸۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۸۴۲	۱۲-۳
۱۲/۵۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۹/۰۰۳	۱۴-۶	۸/۶۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۵۸۶	۱۳-۳
۱۲/۳۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۷۳۷	۱۵-۶	۷/۵۳	عدم رد	۰/۰۰۰	۳/۶۹۳	۱۴-۳
۱۱/۲۸	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۲۶۵	۱۶-۶	۷/۹۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۸۷۵	۱۵-۳
۱۱/۳۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۵۹۷	۱۷-۶	۸/۱۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۱۴۹	۱۶-۳
۹/۲۲	رد	۰/۰۵۳	۱/۹۳۹	۱۸-۶	۱۰/۶۹	عدم رد	۰/۰۰۰	۸/۲۶۶	۱-۴
۸/۵۰	رد	۰/۲۸۱	۱/۰۷۸	۱۹-۶	۹/۳۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۱۰۸	۲-۴
۸/۲۰	رد	۰/۴۷۵	۰/۷۱۴	۲۰-۶	۹/۲۰	عدم رد	۰/۰۰۰	۵/۴۷۳	۳-۴
۱۰/۵۵	عدم رد	۰/۰۰۰	۶/۶۸۶	۲۱-۶	۸/۲۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۳/۹۴۳	۴-۴
۱۱/۳۴	عدم رد	۰/۰۰۰	۷/۰۸۶	۲۲-۶	۸/۵۱	عدم رد	۰/۰۰۰	۴/۱۵۴	۵-۴

در ادامه به منظور سنجش روابط بین متغیرهای پنهان و آشکار یعنی هر یک از شش عنصر محتوایی با مصادیق افشای آن‌ها و اینکه این مصادیق می‌توانند نماینده مناسبی برای ارائه اطلاعات در مورد هر یک از عناصر محتوایی الگوی MC باشند، از تحلیل عامل تأییدی استفاده شد. معیار رد یا عدم رد هر یک از مصادیق افشا، میزان بار عاملی بیشتر از ۰/۴ است (داوری و رضازاده، ۱۳۹۳). از این‌رو هر یک از مصادیق افشا که بار عاملی استاندارد آن‌ها بیشتر از ۰/۴ بوده و معنادار باشد، نماینده مناسبی برای ارائه اطلاعات در مورد عنصر محتوایی خود در الگوی MC محسوب می‌شود. جدول ۹، نتایج تحلیل عامل تأییدی مربوط به مصادیق افشای تأیید شده در مرحله قبل (بر مبنای نتایج آزمون تک نمونه‌ای ویلکاکسون) را در مورد هر یک از شش عنصر محتوایی نشان می‌دهد. بر اساس اطلاعات مندرج در این جدول، همه مصادیق افشا دارای بار عاملی استاندارد بالای ۰/۴ بوده و معنادار هستند. از این‌رو می‌توان نتیجه گرفت که مصادیق افشای ارائه شده برای هر یک از شش عنصر محتوایی الگوی MC، نماینده مناسبی برای ارائه اطلاعات در مورد این بخش‌ها در MC می‌باشند.

جدول ۹. نتایج تحلیل عامل تأییدی

نتیجه آزمون	آماره t	سطح معناداری	بار عاملی استاندارد	مصادیق افشا	نتیجه آزمون	آماره t	سطح معناداری	بار عاملی استاندارد	مصادیق افشا
عدم رد	۳۲/۴۸۸	۰/۰۰۰	۰/۸۱۶	۳-۴	عدم رد	۸/۴۱۰	۰/۰۰۰	۰/۵۴۰	۱-۱
عدم رد	۲۶/۳۳۳	۰/۰۰۰	۰/۷۸۰	۴-۴	عدم رد	۲۵/۵۱۹	۰/۰۰۰	۰/۸۰۳	۲-۱
عدم رد	۵۴/۶۲۴	۰/۰۰۰	۰/۸۶۸	۵-۴	عدم رد	۳۱/۸۳۴	۰/۰۰۰	۰/۸۰۴	۳-۱
عدم رد	۲۷/۶۸۴	۰/۰۰۰	۰/۷۹۳	۶-۴	عدم رد	۲۶/۶۳۵	۰/۰۰۰	۰/۷۶۸	۴-۱
عدم رد	۲۷/۱۱۰	۰/۰۰۰	۰/۷۹۲	۷-۴	عدم رد	۱۳/۹۶۹	۰/۰۰۰	۰/۶۴۲	۶-۱
عدم رد	۲۶/۸۲۸	۰/۰۰۰	۰/۷۶۵	۸-۴	عدم رد	۱۹/۵۲۴	۰/۰۰۰	۰/۷۱۱	۷-۱
عدم رد	۳۳/۱۴۲	۰/۰۰۰	۰/۸۱۱	۱۰-۴	عدم رد	۱۰/۰۰۸	۰/۰۰۰	۰/۵۱۱	۱-۲
عدم رد	۳۳/۳۳۷	۰/۰۰۰	۰/۸۱۹	۱۱-۴	عدم رد	۲۱/۴۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۲۸	۲-۲
عدم رد	۲۶/۱۸۰	۰/۰۰۰	۰/۷۷۳	۱۳-۴	عدم رد	۲۶/۸۲۰	۰/۰۰۰	۰/۷۵۷	۳-۲
عدم رد	۳۵/۷۷۶	۰/۰۰۰	۰/۸۱۸	۱۴-۴	عدم رد	۳۱/۳۲۹	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۴-۲
عدم رد	۳۰/۱۳۰	۰/۰۰۰	۰/۸۱۳	۱۵-۴	عدم رد	۲۵/۷۷۴	۰/۰۰۰	۰/۷۷۳	۵-۲
عدم رد	۳۱/۸۹۵	۰/۰۰۰	۰/۸۱۹	۱۶-۴	عدم رد	۲۹/۶۹۵	۰/۰۰۰	۰/۷۸۹	۶-۲
عدم رد	۲۸/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۷۷۲	۱-۵	عدم رد	۲۶/۹۳۶	۰/۰۰۰	۰/۷۶۸	۷-۲
عدم رد	۲۵/۹۷۶	۰/۰۰۰	۰/۷۹۰	۲-۵	عدم رد	۲۸/۲۴۲	۰/۰۰۰	۰/۷۹۳	۸-۲
عدم رد	۴۰/۸۳۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۳	۵-۵	عدم رد	۲۷/۷۷۸	۰/۰۰۰	۰/۷۷۴	۹-۲
عدم رد	۳۴/۴۹۶	۰/۰۰۰	۰/۸۲۵	۶-۵	عدم رد	۲۰/۱۱۲	۰/۰۰۰	۰/۷۶۹	۱۰-۲
عدم رد	۳۶/۳۴۰	۰/۰۰۰	۰/۸۳۵	۷-۵	عدم رد	۲۴/۴۰۴	۰/۰۰۰	۰/۷۶۶	۱۱-۲
عدم رد	۲۷/۱۷۳	۰/۰۰۰	۰/۸۰۶	۹-۵	عدم رد	۲۱/۶۹۹	۰/۰۰۰	۰/۷۱۵	۱۳-۲
عدم رد	۱۸/۱۵۰	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۱-۶	عدم رد	۱۵/۸۵۰	۰/۰۰۰	۰/۷۱۶	۱۴-۲

نتیجه آزمون	آماره t	سطح معناداری	بار عاملی استاندارد	مصادیق افشا	نتیجه آزمون	آماره t	سطح معناداری	بار عاملی استاندارد	مصادیق افشا
عدم رد	۲۰/۰۷۸	۰/۰۰۰	۰/۷۴۱	۲-۶	عدم رد	۱۸/۸۹۰	۰/۰۰۰	۰/۷۰۲	۱۵-۲
عدم رد	۲۶/۱۹۶	۰/۰۰۰	۰/۷۷۹	۳-۶	عدم رد	۱۵/۶۳۰	۰/۰۰۰	۰/۶۶۱	۱-۳
عدم رد	۱۲/۱۲۸	۰/۰۰۰	۰/۶۴۷	۴-۶	عدم رد	۱۷/۸۱۶	۰/۰۰۰	۰/۷۱۸	۲-۳
عدم رد	۲۱/۷۱۱	۰/۰۰۰	۰/۷۳۸	۵-۶	عدم رد	۱۷/۵۷۱	۰/۰۰۰	۰/۷۱۸	۳-۳
عدم رد	۲۲/۷۶۸	۰/۰۰۰	۰/۷۳۴	۶-۶	عدم رد	۱۹/۱۴۳	۰/۰۰۰	۰/۷۱۳	۴-۳
عدم رد	۲۸/۲۸۸	۰/۰۰۰	۰/۷۵۶	۷-۶	عدم رد	۱۵/۹۸۷	۰/۰۰۰	۰/۶۶۴	۵-۳
عدم رد	۲۱/۶۱۰	۰/۰۰۰	۰/۷۵۲	۸-۶	عدم رد	۱۸/۶۴۷	۰/۰۰۰	۰/۷۰۴	۶-۳
عدم رد	۳۰/۴۳۳	۰/۰۰۰	۰/۷۸۳	۹-۶	عدم رد	۲۱/۲۴۰	۰/۰۰۰	۰/۷۲۵	۷-۳
عدم رد	۲۷/۳۸۱	۰/۰۰۰	۰/۷۷۶	۱۰-۶	عدم رد	۱۶/۰۰۶	۰/۰۰۰	۰/۶۴۵	۹-۳
عدم رد	۳۱/۳۳۹	۰/۰۰۰	۰/۷۹۲	۱۱-۶	عدم رد	۲۷/۳۹۸	۰/۰۰۰	۰/۷۶۱	۱۰-۳
عدم رد	۲۴/۲۱۳	۰/۰۰۰	۰/۷۴۸	۱۲-۶	عدم رد	۲۳/۵۹۴	۰/۰۰۰	۰/۷۶۳	۱۱-۳
عدم رد	۲۶/۳۴۳	۰/۰۰۰	۰/۷۷۰	۱۳-۶	عدم رد	۲۹/۷۳۳	۰/۰۰۰	۰/۷۹۳	۱۲-۳
عدم رد	۱۶/۷۹۰	۰/۰۰۰	۰/۶۸۹	۱۴-۶	عدم رد	۲۷/۸۹۰	۰/۰۰۰	۰/۷۶۷	۱۳-۳
عدم رد	۲۴/۹۰۲	۰/۰۰۰	۰/۷۴۵	۱۵-۶	عدم رد	۲۰/۷۴۸	۰/۰۰۰	۰/۷۰۴	۱۴-۳
عدم رد	۱۱/۲۷۴	۰/۰۰۰	۰/۶۰۲	۱۶-۶	عدم رد	۲۵/۱۸۲	۰/۰۰۰	۰/۷۵۶	۱۵-۳
عدم رد	۲۲/۱۳۶	۰/۰۰۰	۰/۷۱۳	۱۷-۶	عدم رد	۳۲/۴۵۸	۰/۰۰۰	۰/۸۰۰	۱۶-۳
عدم رد	۲۳/۹۴۳	۰/۰۰۰	۰/۷۴۰	۲۱-۶	عدم رد	۲۳/۸۷۷	۰/۰۰۰	۰/۷۸۰	۱-۴
عدم رد	۱۹/۹۸۱	۰/۰۰۰	۰/۷۰۷	۲۲-۶	عدم رد	۳۳/۹۸۸	۰/۰۰۰	۰/۸۰۷	۲-۴

همچنین جدول ۱۰ نتایج ارزیابی الگوی مصادیق افشا را بر مبنای تحلیل عامل تأییدی نشان می‌دهد. در این رابطه از آنجا که الگوی پژوهش جزء مدل‌های انعکاسی^۱ است، آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی، شاخص AVE (به‌منظور سنجش روایی هم‌گرا) و شاخص HTMT (به‌منظور سنجش روایی واگرا) مورد بررسی قرار می‌گیرند (هایر و همکاران^۲، ۲۰۱۹). طبق اطلاعات مندرج در این جدول، میزان آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی همه عناصر محتوایی از ۰/۷ بیشتر است، از این‌رو الگوی مصادیق افشا از پایایی مناسب برخوردار است (هایر و همکاران، ۲۰۱۹). همچنین چون میزان شاخص AVE در تمامی موارد بالای ۰/۵ است؛ از این‌رو الگوی مصادیق افشا از روایی هم‌گرای مناسبی برخوردار است (هایر و همکاران، ۲۰۱۹). افزون بر این، از آنجا که میزان شاخص HTMT به استثناء یک مورد (با میزان ۰/۹۰۲) در بقیه موارد از میزان ۰/۹ کمتر است، الگوی مصادیق افشا از روایی واگرای مناسبی نیز برخوردار می‌باشد (هایر و همکاران، ۲۰۱۹).

1. Reflective Model
2. Hair et al.

جدول ۱۰. نتایج بررسی پایایی و روایی هم‌گرا و واگرا

روایی واگرا (شاخص HTMT)						روایی هم‌گرا (AVE)	پایایی ترکیبی	آلفای کرونباخ	عناصر محتوایی
PP	EE	RMM	RR	SO	BM				
۰/۶۸۸	۰/۶۲۲	۰/۶۸۷	۰/۷۷۳	۰/۸۰۵		۰/۵۱۵	۰/۸۶۲	۰/۸۱۲	الگوی کسب و کار (BM)
۰/۸۲۳	۰/۸۰۹	۰/۸۵۲	۰/۹۰۲			۰/۵۵۲	۰/۹۴۵	۰/۹۳۷	استراتژی و اهداف (SO)
۰/۸۱۷	۰/۸۲۱	۰/۸۶۳				۰/۵۲۹	۰/۹۴۴	۰/۹۳۶	منابع و روابط (RR)
۰/۷۷۱	۰/۸۳۷					۰/۶۴۷	۰/۹۸۲	۰/۹۵۸	ریسک‌ها و مدیریت ریسک (RMM)
۰/۶۸۳						۰/۶۵۷	۰/۹۲۰	۰/۸۹۵	محیط برون سازمانی (EE)
						۰/۵۴۰	۰/۹۵۷	۰/۹۵۲	وضعیت و عملکرد (PP)

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

هدف این پژوهش این بود که با در نظر گرفتن آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، مصادیق افشای مربوط به شش عنصر محتوایی شامل ۱. الگوی کسب و کار؛ ۲. استراتژی و اهداف؛ ۳. منابع و روابط؛ ۴. ریسک‌ها و مدیریت ریسک؛ ۵. محیط برون سازمانی و ۶. وضعیت و عملکرد را در قالب یک الگو شناسایی و در شرایط محیطی ایران مورد آزمون تجربی قرار دهد. بر مبنای یافته‌های این پژوهش، الگوی گزارش تفسیری مدیریت ایران با ۷۴ مصداق افشا و در قالب شش عنصر محتوایی ارائه شد، که عبارتند از: ۱. الگوی کسب و کار با شش مصداق افشا؛ ۲. استراتژی و اهداف با چهارده مصداق افشا؛ ۳. منابع و روابط با پانزده مصداق افشا؛ ۴. ریسک‌ها و مدیریت ریسک با چهارده مصداق افشا؛ ۵. محیط برون سازمانی با شش مصداق افشا و ۶. عملکرد و وضعیت با نوزده مصداق افشا. جدول ۳ این مصادیق افشا را نشان می‌دهد. همان‌گونه که در این جدول مشخص است، ابتدا ۸۸ مصداق افشا بر مبنای بخش کیفی پژوهش شناسایی گردید و سپس بر مبنای بخش کمی پژوهش، این مصادیق به ۷۴ مورد تقلیل یافتند. در این جدول، ستون سمت چپ (رتبه) نشان دهنده اهمیت نسبی هر یک از مصادیق افشا در مقایسه با دیگر مصادیق افشا در هر یک از عناصر محتوایی است. بر این اساس ۱۴ مورد مصادیق افشا که رتبه‌ای برای آن‌ها درج نشده است، مصادیقی هستند که در مرحله کمی پژوهش رد شده و از این‌رو در شمول مصادیق افشای نهایی الگوی گزارش تفسیری مدیریت ایران قرار نمی‌گیرند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۸ مصداق افشای عنصر محتوایی «الگوی کسب و کار»، ۶ مورد رد نشد و ۲ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «اطلاعات مرتبط با نمودار ساختار سازمانی شرکت» و «اثرات زیست محیطی و اجتماعی فعالیت‌های شرکت بر جریان‌های نقد آتی»، اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آیند. این موضوع می‌تواند به این دلیل باشد که سرمایه‌گذاران و بستانکاران، اطلاعات شرکت‌ها را تنها از جنبه میزان ارتباط آن‌ها در پیش‌بینی سود و جریان‌های نقد آتی سودمند دانسته و به عنوان نمونه در حال حاضر اعتقاد چندانی به اثرات زیست محیطی و اجتماعی فعالیت شرکت‌ها بر جریان‌های نقد آتی و همچنین سودمندی اطلاعات مرتبط با نمودار سازمانی شرکت بر پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقد آتی ندارند. عدم سودمندی اطلاعات مرتبط با نمودار سازمانی شرکت، از این

جنبه که در راهنمای ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب) به اطلاعات مرتبط با ساختار واحد تجاری اشاره شده و شرکت‌ها نیز معمولاً این اطلاعات را در گزارش تفسیری مدیریت خود افشا می‌کنند، حائز اهمیت است. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۶ مصداق افشای رد نشده، «اطلاعات مربوط به سهام‌داران اصلی شرکت» و «اطلاعات حاکمیت شرکتی» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۱۵ مصداق افشای عنصر محتوایی «استراتژی و اهداف»، ۱۴ مورد رد نشد و ۱ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به نیروی انسانی» اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آید. دلیل این موضوع احتمالاً این است که چشم‌انداز تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و بستانکاران معمولاً کوتاه مدت بوده و آن‌ها هرگونه اطلاعات مربوط به اهداف و برنامه‌های نیروی انسانی را در پیش‌بینی سود و جریان‌های نقد آتی چندان سودمند نمی‌دانند. همچنین این موضوع می‌تواند به دلیل عدم اعتقاد به نیروی انسانی موجود در بازار سرمایه ایران به عنوان یک اقتصاد دانش بنیان باشد. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۱۴ مصداق افشای رد نشده، «اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های افزایش تولید، درآمد و کاهش بهای تمام شده و هزینه‌ها» و «اطلاعات مرتبط با اهداف و برنامه‌های مربوط به ارتقاء نظام راهبری شرکتی» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۱۶ مصداق افشای عنصر محتوایی «منابع و روابط»، ۱۵ مورد رد نشد و ۱ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «اطلاعات مربوط به منابع انسانی» اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آید. دلیل احتمالی این موضوع این است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران، اعتقاد چندانی به منابع انسانی شرکت‌ها در بازار سرمایه ایران به عنوان یک اقتصاد دانش بنیان که سرمایه و نیروی انسانی می‌تواند عامل مهمی در پیش‌بینی سود و جریان‌های نقد آتی باشد، ندارند. عدم سودمندی اطلاعات مربوط به منابع انسانی شرکت، از این جنبه که در راهنمای ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب) به مواردی مانند اطلاعات مدیران شرکت، سرمایه انسانی و فکری، مشارکت کارکنان و تغییرات در کارکنان اشاره شده و شرکت‌ها نیز معمولاً اطلاعات مرتبط با منابع انسانی خود را در گزارش تفسیری مدیریت افشا می‌کنند، حائز اهمیت است. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۱۵ مصداق افشای رد نشده، «اطلاعات مربوط به موجودی‌ها و مواد اولیه شرکت» و «اطلاعات مربوط به روابط شرکت با دیگر ذی‌نفعان» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۱۷ مصداق افشای عنصر محتوایی «ریسک‌ها و مدیریت ریسک»، ۱۴ مورد رد نشد و ۳ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «اطلاعات مربوط به ریسک‌های محیطی و تغییرات اقلیمی»، «اطلاعات مربوط به ریسک رفتارهای اخلاقی» و «اطلاعات مربوط به ریسک ناشی از حوادث غیر مترقبه» اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آیند. دلیل این موضوع احتمالاً این است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران در محیط بازار

سرمایه ایران، پیش‌بینی سودها و جریان‌های نقد آتی را بیشتر متأثر از ریسک‌های معمول چون ریسک‌های بازار، نقدشوندگی و اعتباری دانسته و اعتقاد چندانی به سودمندی اطلاعات مرتبط با ریسک‌های غیرمعمول چون تغییرات اقلیمی، حوادث غیر مترقبه و رفتارهای اخلاقی، به‌ویژه به این دلیل که معمولاً تصمیمات سرمایه‌گذاری آن‌ها نیز کوتاه مدت است، ندارند. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۱۴ مصداق افشای رد نشده، «اطلاعات مربوط به ریسک‌های مرتبط با بازار» و «اطلاعات مربوط به ریسک‌های تغییر قوانین و مقررات» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۱۰ مصداق افشا عنصر محتوایی «محیط برون سازمانی»، ۶ مورد رد نشد و ۴ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای زیست محیطی»، «اطلاعات مربوط به محیط حقوقی و قوانین و مقررات اثرگذار بر شرکت»، «اطلاعات مربوط به نحوه نظارت مدیریت شرکت بر عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی» و «اطلاعات مربوط به هرگونه پیشرفت و بهبود در نظارت و برنامه‌ریزی برای واکنش به عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی» اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آیند. دلایل احتمالی این موضوع این است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران اعتقاد چندانی به سودمندی عوامل و روندهای زیست محیطی به‌ویژه در شرایط تصمیم‌گیری کوتاه مدت ندارند؛ از طرفی در شرایط بازار سرمایه ایران، بسیاری از قوانین و مقررات متأثر بر شرکت‌ها شامل قانون تجارت، قانون کار، قوانین تأمین اجتماعی، قوانین مالیاتی و قوانین مبارزه با پول‌شویی یکسان بوده و چون این موضوع شرایط تقریباً یکسانی را در مورد همه شرکت‌ها به وجود می‌آورد، سودمندی این اطلاعات در تصمیمات سرمایه‌گذاری کاهش می‌یابد. عدم سودمندی اطلاعات مربوط به قوانین و مقررات اثرگذار بر شرکت، از این جنبه که در راهنمای ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب) به آن اشاره شده و شرکت‌ها نیز معمولاً این اطلاعات را در گزارش تفسیری مدیریت خود افشا می‌کنند، حائز اهمیت است. افزون بر این سرمایه‌گذاران و بستانکاران اعتقاد چندانی به سودمندی اطلاعات مرتبط با نحوه نظارت و مدیریت بر عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی و اطلاعات مرتبط با هرگونه پیشرفت در این زمینه ندارند. احتمالاً این موضوع نیز به این دلیل است که به اعتقاد آن‌ها در شرایط بازار سرمایه و اقتصاد ایران، کنترل و مدیریت بسیاری از این عوامل و روندها غیرممکن یا مشکل است؛ از این‌رو هرگونه اطلاعات در این زمینه سودمندی چندانی ندارد. عدم سودمندی اطلاعات مرتبط با نحوه نظارت و مدیریت بر عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی و هرگونه پیشرفت در این زمینه با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی، ۲۰۲۱) که بر اهمیت این‌گونه اطلاعات تأکید دارد، هم‌خوانی ندارد. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۶ مصداق افشای رد نشده، «اطلاعات مربوط به عوامل و روندهای اقتصادی» و «اطلاعات مربوط به نحوه اثرگذاری عوامل و روندهای موجود در محیط برون سازمانی شرکت» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای نتایج ارائه شده (جدول ۸)، از ۲۲ مصداق افشای عنصر محتوایی «وضعیت و عملکرد»، ۱۹ مورد رد نشد و ۳ مورد رد شد. بر مبنای این یافته‌ها، «بیان دستاوردها و افتخارات شرکت»، «اطلاعات مربوط به رعایت جنبه‌های

اجتماعی و اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آتی» و «اطلاعات مربوط به رعایت جنبه‌های زیست محیطی و اثرات احتمالی آن‌ها بر وضعیت و عملکرد آتی» اطلاعات سودمندی در فرایند تصمیم‌گیری به شمار نمی‌آیند. دلیل احتمالی این موضوع این است که سرمایه‌گذاران و بستانکاران در بازار سرمایه ایران معمولاً در هنگام تصمیم‌گیری، چشم‌انداز کوتاه مدت داشته و در عین حال به اثرات دستاوردها و افتخارات شرکت و همچنین هرگونه اثرات احتمالی رعایت جنبه‌های زیست محیطی و اجتماعی بر سودها و جریان‌های نقد آتی، اطمینان چندانی ندارند. عدم سودمندی اطلاعات مربوط به جنبه‌های زیست محیطی و اجتماعی شرکت، از این جنبه که در راهنمای ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (سازمان بورس و اوراق بهادار، ۱۳۹۶ ب) به آن اشاره شده و برخی شرکت‌ها نیز این اطلاعات را در گزارش تفسیری مدیریت خود افشا می‌کنند، حائز اهمیت است. همچنین بر مبنای اطلاعات مندرج در این جدول (آزمون فریدمن)، از ۱۹ مصداق افشای رد نشده، «ارائه و تحلیل نسبت‌های مهم مالی» و «پیش بینی‌های کمی و توصیفی مربوط به عملکرد و وضعیت مالی آینده شرکت» به ترتیب دارای بیشترین و کمترین اهمیت در فرایند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی هستند.

بر مبنای یافته‌های مرتبط با بسیاری از مصداق افشای حذف شده در عناصر محتوایی الگوی نهایی پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی تمایلی به ارائه اطلاعات در زمینه جنبه‌های زیست محیطی و اجتماعی و همچنین ارائه اطلاعات در زمینه منابع انسانی در گزارش تفسیری مدیریت ندارند. این یافته‌ها با یافته‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) مبنی بر تقاضای پایین برای اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی با وجود هزینه بالای تهیه آن‌ها و همچنین یافته‌های ردماین، اهالای و استنت (۲۰۲۲) مبنی بر سودمندی کمتر اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی مطابقت دارد؛ اما با یافته‌های محمدیان و ستایش (۱۳۹۷) و قنبرزاده و مرادیان (۱۴۰۱) که بر مسائل زیست محیطی و اجتماعی در الگوهای ارائه شده تأکید دارند، و یافته‌های جاگی و همکاران (۲۰۱۸) که بر سودمندی و اهمیت اطلاعات کربن تأکید دارند، مطابقت ندارد. افزون بر این، این یافته‌ها با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پروژه به روز رسانی بیانیه MC (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی، ۲۰۲۱) که بر اهمیت ارائه اطلاعات زیست محیطی و اجتماعی تأکید دارد، مطابقت ندارد. همچنین این یافته‌ها مبنی بر عدم تمایل به اطلاعات مرتبط با منابع انسانی با یافته‌های بشیری‌منش و رحمانی (۱۳۹۵)، محمدیان و ستایش (۱۳۹۷) و قنبرزاده و مرادیان (۱۴۰۱) که در الگوهای ارائه شده بر ارائه اینگونه اطلاعات تأکید دارند، مطابقت ندارد.

به گونه کلی، با توجه به تأیید ۷۴ مصداق افشا از ۸۸ مصداق افشای شناسایی شده در بخش کیفی پژوهش و از سوی دیگر نتایج حاصل از تحلیل عامل تأییدی که نشان دهنده نمایندگی مناسب مصداق افشای هر یک از عناصر محتوایی در الگوی نهایی پژوهش است، می‌توان نتیجه گرفت که ارائه اطلاعات در رابطه با هر یک از شش عنصر محتوایی، به شرط آن که اطلاعات استخراج شده در این پژوهش (بر مبنای جدول ۳) در گزارش تفسیری مدیریت شرکت‌ها افشا گردد، سودمند بوده و به استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی (سرمایه‌گذاران و بستانکاران) در هنگام تصمیم‌گیری کمک می‌نماید. اهمیت ارائه اطلاعات در رابطه با هر شش عنصر محتوایی، با آخرین یافته‌های بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در پروژه به روز رسانی بیانیه MC (بنیاد استانداردهای بین‌المللی گزارشگری

مالی، ۲۰۲۱) مطابقت دارد. همچنین در زمینه هر یک از عناصر محتوایی، یافته‌های پژوهش مبنی بر اهمیت اطلاعات مربوط به «الگوی کسب‌وکار» با پژوهش‌های جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳)، ردماین، اهلای و استنت (۲۰۲۲)، مهرانی، مرادی و قنبرزاده (۱۴۰۰) و قنبرزاده و مرادیان (۱۴۰۱)؛ اهمیت اطلاعات مربوط به «استراتژی و اهداف» با پژوهش‌های بانقوج و پلنبرگ^۱ (۲۰۰۸)، جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳)، موریس و ترونز^۲ (۲۰۱۸) و ردماین، اهلای و استنت (۲۰۲۲)؛ اهمیت اطلاعات مربوط به «منابع و روابط» با پژوهش‌های هانت و مورگان^۳ (۱۹۹۵)، کووا و سال^۴ (۲۰۰۸) و ردماین، اهلای و استنت (۲۰۲۲)؛ اهمیت اطلاعات مربوط به «ریسک‌ها و مدیریت ریسک» با پژوهش‌های لینسلی و شریوز^۵ (۲۰۰۰)، میهکینن^۶ (۲۰۱۳)، جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳)، آبراهام و شریوز^۷ (۲۰۱۴)، ردماین، اهلای و استنت (۲۰۲۲) و نمازی و ابراهیمی میمند (۱۴۰۰)؛ اهمیت اطلاعات مربوط به «محیط برون سازمانی» با پژوهش رگیناتو و گوئریرو^۸ (۲۰۱۳)؛ و اهمیت اطلاعات مربوط به «وضعیت و عملکرد» با پژوهش‌هایی مانند بوتوسان (۱۹۹۷) و دیپورس و جینجین^۹ (۲۰۱۲) و جوهانسن و پلنبرگ (۲۰۱۳) و ردماین، اهلای و استنت (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

این پژوهش را می‌توان از این جهت حائز اهمیت دانست که برای اولین بار اقدام به ارائه یک الگو با شناسایی مصادیق افشای مناسب برای محتوای اطلاعاتی گزارش تفسیری مدیریت در ایران نمود. از این رو بهترین و جامع‌ترین مصادیق افشای مرتبط با محتوای اطلاعاتی گزارش تفسیری مدیریت شناسایی و از منظر استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی مورد آزمون تجربی قرار گرفت. همچنین این مصادیق بر مبنای اهمیت نسبی‌شان رتبه‌بندی شدند. انجام چنین پژوهشی برای اولین بار در دنیا، جامع بودن مصادیق افشای آن و همچنین بومی و متناسب بودن آن با شرایط محیطی ایران را می‌توان از ویژگی‌های منحصر به فرد این پژوهش به شمار آورد. افزون بر این، یافته‌های این پژوهش با گسترش مبانی نظری مرتبط با افشای شرکتی و گزارش‌های مدیریتی موجب گسترش مرزهای دانش و ارائه مدارک تجربی در این مطالعه گردید.

پیشنهادها و محدودیت‌ها

بر مبنای یافته‌های این پژوهش پیشنهاد می‌شود:

۱. سازمان بورس اوراق بهادار و سازمان حسابرسی از مصادیق افشای ارائه شده در تدوین هرگونه استاندارد، رهنمود و ضوابط بومی مربوط به تهیه گزارش تفسیری مدیریت استفاده کنند تا بتوانند به شفافیت بیشتر و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه کمک کرده و نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان اصلی گزارش‌های مالی را به‌منظور اتخاذ تصمیمات مناسب‌تر آن‌ها فراهم نمایند.

1. Banghøj & Plenborg
 2. Morris & Tronnes
 3. Hunt & Morgan
 4. Cova & Salle
 5. Linsley & Shrivess
 6. Miihkinen
 7. Abraham & Shrivess
 8. Reginato & Guerreiro
 9. Depoers & Jeanjean

۲. شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران از مصادیق افشای ارائه شده به‌منظور غنی‌سازی محتوای گزارش تفسیری مدیریت یا سایر گزارش‌ها و مصادیق افشای اختیاری اطلاعات در جهت ارائه کارا و اثربخش آن‌ها بهره‌جویند.
۳. پژوهشگرانی که با شیوه تحلیل محتوا قصد سنجش میزان افشا را در گزارش‌های مدیریتی شرکت‌ها دارند، از چک لیست ارائه شده در الگوی نهایی این پژوهش استفاده‌کنند.
- همچنین براساس مبانی نظری، پیشینه و یافته‌های این پژوهش، پژوهش‌های زیر برای پژوهشگران علاقه‌مند پیشنهاد می‌شود:
۱. انجام مطالعه با شیوه تحلیل محتوا، به‌منظور سنجش میزان به‌کارگیری مصادیق افشای الگوی پیشنهادی این پژوهش در گزارش‌های مدیریتی شرکت‌ها؛
 ۲. پیاده‌سازی الگوی پیشنهادی این پژوهش در شرکت‌های بورس و فرابورس و بررسی میزان سودمندی آن.
- بی‌شک هر پژوهشی محدودیت‌های خاص خود را دارد. موارد زیر را می‌توان محدودیت‌هایی دانست که در این پژوهش وجود داشته و باید مدنظر قرار گیرد:
۱. با توجه به اینکه بخشی از این پژوهش به‌شیوه کیفی انجام شده و پژوهش‌های کیفی نیز با توجه به ماهیت خاص آن‌ها، در تعمیم‌پذیری نتایج با محدودیت بیشتری همراه هستند، از این‌رو لازم است که این مورد مدنظر خوانندگان قرار گیرد؛
 ۲. با توجه به محدودیت‌های ذاتی پرسش‌نامه، لازم است که در تعمیم‌پذیری یافته‌های بخش کمی احتیاط لازم صورت پذیرد؛
 ۳. با توجه به منحصر به فرد بودن این پژوهش و نبود پژوهشی مشابه آن، امکان مقایسه نتایج پژوهش به‌صورت کامل فراهم نبود؛ با وجود این نهایت تلاش به عمل آمد تا روایی و پایایی پژوهش خدشه‌دار نشود.

منابع

- افلاطونی، عباس و نعمتی، مرضیه (۱۳۹۷). نقش کیفیت گزارشگری مالی و افشا در افزایش اعتبار تجاری: رویکرد متغیرهای ابزاری. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۵(۱)، ۱-۲۰.
- برجانه، ایمان؛ رحیمیان، نظام‌الدین و باقری پرمهر، شعله (۱۴۰۱). بررسی رابطه بین خصوصیات شرکت‌ها و افشای اطلاعات در گزارش تفسیری مدیریت. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۱۱(۱)، ۲۶۳-۳۰۲.
- بشیری منش، نازنین و رحمانی، علی (۱۳۹۵). تدوین الگوی افشای اختیاری: ابزاری برای حسابداری مدیریت. *دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت*، ۵(۳)، ۲۷-۴۵.
- تیموری، زهرا؛ هاشمی، سیدعباس و امیری، هادی (۱۴۰۰). تدوین مدل کیفی عوامل اثرگذار بر قیمت‌گذاری کیفیت اطلاعات حسابداری در ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۳)، ۴۳۵-۴۵۹.
- جامعه حسابداران رسمی ایران (۱۳۹۶). *میزگرد حساب‌برسان و گزارش تفسیری مدیریت*. حسابدار رسمی، ۴۰، ۶-۲۸.

- حسینی، احد؛ جبارزاده کنگرلویی، سعید؛ بحری ثالث، جمال و سعدی، رسول (۱۴۰۰). تحلیل عاملی اکتشافی چالش‌ها و موانع پیاده‌سازی استانداردهای بین‌المللی گزارشگری مالی در ایران. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۳)، ۵۳۳-۵۵۲.
- داوری، علی و رضازاده، آرش (۱۳۹۳). *مدل‌سازی معادلات ساختاری با نرم افزار PLS*. تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۶ الف). *ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران)*. تهران.
- سازمان بورس و اوراق بهادار (۱۳۹۶ ب). *راهنمای به‌کارگیری ضوابط تهیه گزارش تفسیری مدیریت (ناشران پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و فرابورس ایران)*. تهران.
- سازمان حسابرسی (۱۳۹۹). موضوع محوری، گزارش تفسیری مدیریت؛ گسترش دامنه گزارشگری مالی. *حسابرس*، ۱۰۸، ۱۰-۴۳.
- طاهری‌نیا، مسعود و دربندی فراهانی، سعید (۱۴۰۱). بررسی رابطه متقابل بین افشای هم‌زمان گزارش تفسیری و پیش‌بینی سود مدیریت با تقارن اطلاعاتی و کیفیت سرمایه‌گذاری با تعدیل‌گری عدم اطمینان محیطی. *حسابداری و منافع اجتماعی*، ۱۲(۲)، ۵۵-۸۸.
- قنبرزاده، مجتبی و مرادیان، افسانه (۱۴۰۱). کندوکاو تحلیلی در گزارشگری مالی مدل کسب و کار با استفاده از منطق فازی. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۹(۱)، ۱۷۳-۲۱۲.
- محمدیان، محمد و ستایش، محمد حسین (۱۳۹۷). الگویی برای گزارشگری مالی و غیرمالی بانک‌ها: از طریق شاخص‌سازی گزارشگری شهروند شرکتی. *پژوهش‌های کاربردی در گزارشگری مالی*، ۷(۱)، ۴۳-۷۰.
- معروفی، یحیی و یوسف زاده، محمدرضا (۱۳۸۸). *تحلیل محتوا در علوم انسانی*. همدان: سپهر دانش.
- مهرانی، ساسان؛ مرادی، محمد و قنبرزاده، مجتبی (۱۴۰۰). شناسایی مؤلفه‌های گزارشگری مالی با رویکرد الگوی کسب‌وکار. *بورس اوراق بهادار*، ۱۴(۳)، ۸۷-۱۱۷.
- مؤمنی راد، اکبر؛ علی‌آبادی، خدیجه؛ فردانش، ناصر و مزینی، ناصر (۱۳۹۲). تحلیل محتوای کیفی در آیین پژوهش: ماهیت، مراحل و اعتبار نتایج. *اندازه‌گیری تربیتی*، ۴(۲)، ۱۸۷-۲۲۱.
- میرمحمدی، زهره و تالانه، عبدالرضا (۱۴۰۰). شناسایی سنجه‌های غیرمالی با روش تحلیل تم. *بررسی‌های حسابداری و حسابرسی*، ۲۸(۱)، ۱۶۱-۱۸۰.
- نمازی، محمد و ابراهیمی میمند، مهدی (۱۴۰۰). افشا و گزارشگری ریسک شرکت‌ها: ارائه چارچوب جامع. *دانش حسابداری*، ۱۲(۲)، ۱-۲۷.

References

- Abraham, S., Shrivies, P.J. (2014). Improving the relevance of risk factor disclosure in corporate annual reports. *The British Accounting Review*, 46(1), 91-107.
- Aflatooni, A. & Nemati, M. (2018). The role of financial reporting quality and disclosure quality in increasing commercial credit. *Accounting and Auditing Review*, 25(1), 1-20. (in Persian)

- Ali, M. J., Bose, S. & Miah, M. S. (2021). Do integrated financial and extra-financial narrative disclosures in the management commentary affect firm valuation? International evidence. https://papers.ssrn.com/sol3/papers.cfm?abstract_id=3966316
- Alvarez, I., Calvo, J. A. & Mora, A. (2014). Involving academics in the accounting standard setting process, an application of the Delphi methodology to the assessment of IASB proposals. *Journal of Management & Governance*, 18(3), 765–791.
- Alvo, M. & Yu, P. L. H. (2014). *Statistical Methods for Ranking Data*. New York: Springer Publishing.
- Audit Organization (2020). Management commentary; expanding the scope of financial reporting. *Hesabres*, 108. 10-43. (in Persian)
- Banghøj, J. & Plenborg, T. (2008). Value relevance of voluntary disclosure in the annual report. *Accounting and Finance*, 12(4), 159-180.
- Barjaneh, I., Rahimiain, N. & Bagheripormehr, S. (2022). Investigating the relationship between corporate characteristics and information disclosure in management commentary in firms listed in Tehran Stock Exchange (TSE). *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 11(1), 263-302. (in Persian)
- Bashirimanesh, N. & Rahmani, A. (2016). Developing pattern of voluntary disclosure: the measure for management accounting. *Journal of Management Accounting and Auditing Knowledge*, 5(2), 27-45. (in Persian)
- Botosan, C. A. (1997). Disclosure level and the cost of equity capital. *The Accounting Review*, 72(3), 323-349.
- Cochran, W. G. (1977). *Sampling techniques (3rd ed)*. New York, John Wiley & Sons.
- Cova, B. & Salle, R. (2008). Marketing solutions in accordance with the S-D logic: Co-creating value with customer network actors. *Industrial Marketing Management*, 37(3), 270-277.
- Davari, A. & Rezazadeh, A. (2014). *Structural equation modeling with PLS software*. Tehran, Daneshgahi Jahad Publications. (in Persian)
- Depoers, F. & Jeanjean, T. (2012). Determinants of quantitative information withholding in annual reports. *European Accounting Review*, 21(1), 115-151.
- Ghanbarzadeh, M. & Moradian, A. (2022). An analytical explanation of the business model financial reporting using fuzzy logic. *Accounting and Auditing Review*, 29(1), 173-212. (in Persian)
- Ginesti, G. & Spano, M. (2013). The impact of international accounting standards board (IASB)'s guidelines for preparing management commentary (MC): evidence from Italian listed firms. *Journal of Modern Accounting and Auditing*, 9(3), 305-320.
- Guba, E. G. (1981). Criteria for assessing the trustworthiness of naturalistic inquiries. *Educational Communication and Technology Journal*, 29(2), 75-91.
- Hail, L. (2002). The impact of voluntarily corporate disclosure on the ex-ante cost of capital for Swiss firms. *European Accounting Review*, 11(4), 741-773.

- Hair, J. F., Risher, J. J., Sarstedt, M. & Ringle, Ch. M. (2019). When to use and how to report the results of PLS-SEM. *European Business Review*, 31(1), 2-24.
- Hasan Al Jawahry, B. A. W. & Edan, T. S. (2020). The impact management commentary report in reduce information asymmetries at Iraqi Stock Exchange. *International Journal of Multidisciplinary Research and Publications*, 2(12), 16–21.
- Healy, P., Hutton, A. & Palepu, K. (1999). Stock performance and intermediation changes surrounding sustained increases in disclosure. *Contemporary Accounting Research*, 16(1), 485–520.
- Hollander, M., Wolfe, D. A. & Chicken, E. (2014). *Nonparametric Statistical Methods* (3^d ed.). New Jersey: John Wiley & Sons Inc.
- Hosseini, A., Jabbarzade Kangaarloye, S., Bahrisals, J. & Sadi, R. (2021). Exploratory factor analysis of the challenges and obstacles of the implementing IFRS in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 533-552. (in Persian)
- Hunt, S. D., Morgan, R. M. (1995). The comparative advantage theory of competition. *Journal of Marketing*, 59(2), 1-15.
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2010). *IFRS practice statement management commentary: a framework for presentation*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2018). *Introduction to the management commentary*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2019). *Slide deck 1: Agenda and introduction*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2020). *Management commentary: Introduction to the forthcoming Exposure Draft*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- International Financial Reporting Standard Foundation. (2021). *Exposure Draft: Management Commentary*. <https://www.ifrs.org/projects/work-plan/management-commentary/#project-history>
- Iranian Association of Certified Public Accountant (2017). Auditors' roundtable and management commentary. *Hesabdar Rasmi*, 40, 6-28. (in Persian)
- Jaggi, B., Allini, A., Macchioni, R. & Zampella, A. (2018). Do investors find carbon information useful? Evidence from Italian firms. *Review of Quantitative Finance and Accounting*, 50(1), 1031–1056.
- Johansen, T. R. & Plenborg, T. (2013). Prioritising disclosures in the annual report. *Accounting and Business Research*, 43(6), 605-635.
- Krippendorff, K. (2004). *Content Analysis: An Introduction to Its Methodology* (2th ed.). London: Sage Publications Ltd.

- Lang, M. & Lundholm, R. (2000). Voluntary disclosure and equity offerings: reducing information asymmetry or hyping the stock. *Contemporary Accounting Research*, 17(4), 623-662.
- Lincoln Y. S. & Guba, E. G. (1985). *Naturalistic inquiry*. California: Sage Publications.
- Lincoln, Y. S. (1995). Emerging criteria for quality in qualitative and interpretive research. *Qualitative Inquiry*, 1(3), 275-289.
- Linsley, P. & Shrivess, P. J. (2000). Risk management and reporting risk in the UK. *Journal of Risk*, 3(1), 115-129.
- Maroofi, Y. & Yousefzadeh, M. R. (2009). *Content analysis in humanities*. Hamedan, Sepehr Danesh Publication. (in Persian)
- Maxwell, J. A. (1998). Designing a qualitative study. In L. Bickman & D. J. Rog (Eds.), *Handbook of applied social research methods* (pp. 69–100). Sage Publications, Inc.
- Mehrani, S., Moradi, M. & Ghanbarzadeh, M. (2021). Identifying financial reporting components with a business model (BM) approach. *Journal of Securities Exchange*, 14(3), 87-117. (in Persian)
- Miihkinen, A. (2013). The usefulness of firm risk disclosures under different firm riskiness, investor-interest, and market conditions: New evidence from Finland. *Advances in Accounting*, 29(2), 312-331.
- Mirmohammadi, Z. & Talaneh, A. (2021). Identification of nonfinancial measures through thematic analysis. *Accounting and Auditing Review*, 28(1), 161-180. (in Persian)
- Mohammadian, M. & Setayesh, M. H. (2018). A model of financial and non-financial reporting in banks: by indexing the corporate citizenship reporting. *Journal of Applied Research in Financial Reporting*, 7(1), 43-70. (in Persian)
- Momenirad, A., Aliabadi, Kh., Fardanesh, N. & Mozayyani, N. (2013). Qualitative content analysis in research tradition: nature, stages and validity of the results. *Educational Measurement*, 4(2), 187-221. (in Persian)
- Morris, R. D. & Tronnes, P. C. (2018). The determinants of voluntary strategy disclosure: an international comparison. *Accounting Research Journal*, 31(3), 1-28.
- Namazi, M. & Ebrahimi Meymand, M. (2021). Firms risk disclosure and reporting: a comprehensive framework. *Journal of Accounting Knowledge*, 12(2), 1-27. (in Persian)
- Neuman, W. L. (2014). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches* (7th ed.). London: Pearson Education Limited.
- Opler, T., Lee, P., Stulz, R. & Williamson, R. (1999). The determinants and implications of corporate cash holdings. *Journal of Financial Economics*, 52(1), 3-46.
- Redmayne, N. B., Ehalaiye, D. & Stent, W. (2022). Insights on management commentary in financial reports: the views of users, preparers and auditors. *Meditari Accountancy Research*, 30(7), 1-30.

- Reginato, L. & Guerreiro, R. (2013). Relationships between environment, culture, and management control systems. *International Journal of Organizational Analysis*, 21(2), 219-240.
- Securities and Exchange Organization (2017 a). *Rules for the preparation of management commentary (publishers accepted in Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse)*. Tehran. (in Persian)
- Securities and Exchange Organization (2017 b). *Guidelines for applying the rules for the preparation of management commentary (publishers accepted in Tehran Stock Exchange and Iran Fara Bourse)*. Tehran. (in Persian)
- Sengupta, P. (1998). Corporate disclosure quality and the cost of debt. *The Accounting Review*, 73(4), 459-474.
- Shenton, A. K. (2004). Strategies for ensuring trustworthiness in qualitative research projects. *Education for Information*, 22(1), 63-75.
- Sinkovics, R. R., Penz, E. & Ghauri, P. N. (2008). Enhancing the trustworthiness of qualitative research in international business. *Management International Review*, 48(6), 689-714.
- Taherinia, M. & Darbandi Farahani, S. (2022). Review the interrelationship between simultaneous disclosure of interpretive report and management profit prediction with information symmetry and investment quality with environmental uncertainty adjustment. *The Journal of Accounting and Social Interests*, 12(2), 55-88. (in Persian)
- Teymoori, Z., Hashemi, S. A. & Amiri, H. (2021). Developing the qualitative model of the factors affecting the accounting information quality pricing in Iran. *Accounting and Auditing Review*, 28(3), 428-459. (in Persian)
- Tutino, M., Regolioso, C. & Deri, A. (2013). Forward-looking quantitative information in Italian listed firms: Emperical evidence in 2006-2010. *Corporate Ownership and Control*, 11(1), 47-59.
- Verrecchia, R. (1983). Discretionary disclosure. *Journal of Accounting and Economics* 5(1), 179-194.
- Welker, M., (1995). Disclosure policy, information asymmetry and liquidity in equity markets. *Contemporary Accounting Research*, 11(1), 801-827.
- Zhang, Y. & Wildemuth, B. (2009). Qualitative analysis of content. https://www.ischool.utexas.edu/~yanz/Content_analysis.pdf